بسم الله الرحمن الرحیم

Im Namen Allahs des Barmherzigen des Gnädigen

آلمانی (۳)

سال سوم دبیرستان

Wir lernen Deutsch

وزارت آموزش و پرورش

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه‌ریزی محتوا و نظارت بر تألیف : **دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی**

نام کتاب : **آلمانی(۳) ـ ۲۶۷/۱**

مؤلّفان : **دکتر فرزین بانکی، محمّدحسین خواجه‌زاده**

بازنگری و اصلاح : **سعید کفایتی**

آماده‌سازی و نظارت بر چاپ و توزیع : **ادارهٔ کلّ چاپ و توزیع کتاب‌های درسی**

تهران : خیابان ایرانشهر شمالی ـ ساختمان شمارهٔ ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن : ۹ ـ ۸۸۸۳۱۱۶۱ ، دورنگار : ۸۸۳۰۹۲۶۶ ، کدپستی : ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹،

وب سایت : **www.chap.sch.ir**

نقاش : **صادق صندوقی**

صفحه‌آرا : **راحله زادفتح‌اله**

طراح جلد : **علیرضا رضائی‌کُر**

ناشر : **شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران : تهران ـ کیلومتر ۱۷ جادّهٔ مخصوص کرج ـ خیابان ۶۱ (داروپخش)**

تلفن : ۵ـ۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار : ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی : ۱۳۹ـ۳۷۵۱۵

چاپخانه : **دانش پژوه**

سال انتشار : **۱۳۹۱**

ISBN 964-05-1406-3 شابک ۳ -۹۶۴-۰۵-۱۴۰۶-



پیشتر به زبان(خارجی)احتیاج نبود. امروز احتیاج است. باید زبان‌های زنده‌ی دنیا جزو برنامه‌ی تبلیغات مدارس باشد... امروز مثل دیروز نیست که صدای ما از ایران بیرون نمی‌رفت. امروز ما می‌توانیم در ایران باشیم و در همه جای دنیا با زبان دیگری تبلیغ کنیم.

امام خمینی «قدّس سرّه الشّریف»

بسمه تعالی

پیشگفتار

امروزه به علت سرعت فزاینده پیشرفت دانش بشری و انتشار نتایج آن‌ها به زبان‌های زنده دنیا، آموختن حداقل یک زبان خارجی از اهمیت ویژه برخوردار است و یکی از اهداف عمده آموزش زبان‌های خارجی این است که به عنوان وسیله‌ای برای استفاده و بهره‌گیری از منابع علمی به کار رود. به همین جهت آموزش زبان‌های خارجی در نظام‌های آموزش و پرورش جهان متداول بوده است. از طرفی طبق یافته‌های روانشناسی یادگیری و اصول علمی برنامه ریزی درسی باید عامل نیاز، علاقه و انگیزه دانش‌آموز در انتخاب مواد و مطالب درسی در نظر گرفته شود. از این‌رو اکنون با در نظر گرفتن ملاحظات فوق علاوه بر زبان انگلیسی، زبان‌های آلمانی و فرانسه نیز در برنامه‌های درسی شش ساله دوم تحصیلی مدارس منظور شده است تا آنان بتوانند زبان خارجی مورد علاقه خود را برگزینند.

مطالب کتاب به گونه‌ای تدوین شده است که آموزش زبان بیشتر بر انتقال ساختارهای جمله تأکید دارد تا آموزش مطالب دستوری صِرف. علاوه بر این با گنجانیدن تمرین‌های کافی، امکانِ انتخاب نوع تمرین برای دبیران محترم فراهم آمده است.

امید است این کتاب برای معلمان و دانش‌آموزان عزیز مفید باشد.

همچنین در ادامه به‌منظور آموزش مفیدتر زبان آلمانی در آینده نزدیک، نظر شما همکاران محترم را به چشم‌انداز آموزش زبان‌های خارجی معطوف می‌داریم؛

چشم انداز آموزش زبان‌های خارجی

با لطف ومدد الهی، همسو با برنامه‌ریزی‌های جدید به منظور بسترسازی مناسب برای ایجاد تحول بنیادین در نظام آموزشی ــ تربیتی کشور، در گروه زبان‌های خارجی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، نظریه و رویکردی نوین و نوآورانه مورد توجه صاحبنظران و کارشناسان قرار گرفت.

در این رویکرد، ضمن توجه به اهمیت پرداختن به چیستی، چرایی و چگونگی فعالیت‌های آموزشی ــ تربیتی، آموزش کیفی و توأمان مهارت‌های چهارگانه‌ی زبانی (گوش دادن، سخن‌گفتن، خواندن و نوشتن) و کیفی‌سازی آموزش مهارت‌های یادگیری نیز مدنظر است. در این راستا، فراگیرندگان باید متفکرانه، عاقلانه و عالمانه از یک سو، و با نگاهی دوسویه، هدفمند و ارزش‌مدار از سویی دیگر، فعالانه و آگاهانه، مهارت‌آموزی کنند.

به منظور دست‌یابی به زیبایی‌شناسی فطری، تألیف کتاب‌های درسی جدید رویکردی تفکرگرا،

تعقل‌محور و خودشکوفا دارد و در آن ایجاد ارتباطی سالم، با نشاط، ارزش‌مدار، هدفمند، فعال، پویا، معنادار، دوسویه و تأثیرگذار، مورد تأکید است. در برنامه‌ریزی‌های جدید، رویکرد تألیف کتاب‌های زبان‌های خارجی به ویژه زبان انگلیسی، از نگاهی علمی ــ معرفتی، منطقی و فرهنگی برخوردار است که در واقع ارزش‌های هویتی اسلامی ــ ملی‌مان را در بر دارد. این برنامه، کیفی‌سازی آموزش زبان را با نگرشی توحیدی نسبت به تنظیم اهداف، محتوا، روش یاددهی، ارزش‌یابی فرایندی و ... نیز پوشش می‌دهد.

در این رویکرد، پیام‌های آموزشی ــ تربیتی از مرز مفاهیم پیشتر می‌روند و کاربردی می‌شوند. فراگیرندگان در فضای آموزشی ــ تربیتی و کلاس درس، مصرف کننده‌ی صرف اطلاعات دریافتی نیستند، بلکه خود می‌توانند ناقد و تحلیل‌گر محتوای آموزشی باشند و بر رشد فرایندی فعالیت‌های علمی ــ معنوی در مشارکتی معنادار بیفزایند و هم‌افزایی کنند.

هم چنین در برنامه‌ریزی‌های جدید بسته‌های آموزشی ــ تربیتی، علاوه بر کتاب درسی به عنوان منبع اصلی، کتاب کار و نرم افزار آموزشی برای خودآموزی فراگیرندگان، کتاب راهنمای معلم و فعالیت‌های جانبی و مکمل دیگری از جمله معرفی سایت‌های مفید و فیلم‌های زیرنویس‌دار دو یا سه زبانه، سی‌دی‌ها و کتاب های آموزشی ــ تربیتی و تولیدات جدید و ... نیز مورد توجه است. لذا در امر آموزش، علاوه بر توجه به کیفی سازی مهارت‌های یادگیری و مهارت‌های دریافتی، توجه به مهارت‌های تولیدی به ویژه سخن گفتن و نگاشتن، ضمن دقت در فلسفه‌ی آموزش و فراگیری و هم‌چنین تقویت نگاه و روحیه‌ی پرسش‌گری و پاسخ گویی مسئولانه و ... ملاک فعالیت‌هاست تا ویژگی‌های انسان از دیدگاه قرآن حکیم (تفکر، تعقل، علم، ایمان به خالق هستی بخش، عمل صالح و اخلاق نیکو) در فرد متبلور شوند و فراگیری معنادار به تغییر رفتار مستمر و پایدار در مسیر الهی بینجامد. در برنامه‌ریزی‌های جدید سعی شده است، ضمن ایجاد نشاط علمی در فضای آموزشی‌ــ تربیتی، رشد تربیت علمی ــ معرفتی و تعمیق فعالیت‌های مفید فرهنگی، به ویژه فرهنگ‌سازی برای تولید محتوا، مدنظر قرار گیرد. به علاوه، بر توسعه‌ی انسانی فطرت‌گرا، گسترش زیبایی‌شناسی فطری، اهمیت و جایگاه علم و معرفت کاربردی در زندگی تأکید شود و در راستای چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ی نظام جمهوری اسلامی ایران، برای رشد و تعالی ارتباطات انسانی ــ اجتماعی جامعه‌ی بشری، ارتباطات زبانی را ارزش مدار، معنادار، تأثیرگذار، مفید و خودباورانه سازد.

گروه درسی زبان‌های خارجی دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی

http://eng-dept.talif.sch.ir

Im Namen Allahs

Inhaltsverzeichnis

Lektion

Im Namen Allahs

Lektion 1

1A

Zufall im Beruf

Vier Interviews:

Δ Sind Sie mit Ihrem Beruf zufrieden?

● Nein, nicht so sehr. Eigentlich wollte ich Dolmetscherin werden. Ich habe auch zwei Jahre ein Spracheninstitut besucht und war in Indien, aber dann war ich lange Zeit krank. Danach habe ich das Dolmetscherdiplom nicht mehr gemacht, weil ich schnell Geld verdienen mußte. Ich bewarb mich um verschiedene Stellen und stellte mich vor. Jetzt bin ich schon acht Jahre in meiner Firma, aber ich konnte noch nie selbständig arbeiten. Mein Chef möchte am liebsten alles selbst machen.



Mina Amiri, 29 Jahre, Sekretärin

● Mein Vater hat eine Autowerkstatt, deshalb mußte ich Automechanicker werden. Das war schon immer klar, obwohl ich mich nie dafür interessierte. Mein Bruder hat es besser. Der durfte seinen Beruf selbst bestimmen, der ist jetzt Bürokaufmann.
Also, ich möchte auch lieber im Büro arbeiten. Meine Arbeit ist schmutzig und anstrengend, und mein Bruder geht jeden Abend mit sauber-en Händen nach Hause.



Hamid Kord, 22 Jahre, Automechaniker

● Leider nicht. Ich war Maurer, aber dann hatte ich einen Unfall und konnte die schweren Arbeiten nicht mehr machen. Jetzt bin ich Nachtwächter, weil ich keine andere Arbeit finden konnte, obwohl ich mich sehr bemühte. Ich muß tagsüber schlafen. Ehrlich gesagt: "Mein Familienleben ist kaputt geworden".



Hassan Bordbar, 48 Jahre, Nachtwächter

● Ja. Ich sollte Lehrerin werden, weil mein Vater und mein Großvater Lehrer waren. Aber ich wollte nicht studieren. Ich habe eine Ausbildung als Kinderkrankenschwester gemacht, deshalb bewarb ich mich um eine Stelle im staatischen Krankenhaus. Ich finde die Arbeit sehr gut, obwohl ich viele Überstunden machen muß.



Mariam Mohammadi, 25 Jahre, Krankenschwester

Übungen

1. Wer ist zufrieden? Wer ist unzufrieden? Warum?

Name	Beruf	zufrieden	warum
Mina A. Hamid K. Hassan B. Mariam M.	Sekretärin	nein	Kann nicht selbständig arbeiten.

2. Haben Ihre Eltern/Freunde ihren Traumberuf?

3. Was ist Ihr Traumberuf?

Männer	Frauen
Kaufmann	Verkäuferin
Landwirt	Sekretärin
Fahrer	Arzthelferin
Verkäufer	Kindergärtnerin
Elektriker	Sozialpflegerin
Tischler	Friseur
Bäcker	Kassiererin
Schlosser	Reinigerin
Mechaniker	Köchin
Arzt	Textilarbeiterin
Ingenieur	Lehrerin
Architekt	Ärztin
Techniker	Hausfrau

4. Welches Modalverb paßt?

wollte – sollte – mußte – konnte – durfte

a) Mina Amiri .... lange Zeit nicht arbeiten, weil sie krank war. Dann .... sie das Dolmetscherdiplom nicht mehr machen. Als Sekretärin .... sie gleich Geld verdienen.

b) Hamid Kord .... eigentlich nicht Automechaniker werden, aber er .... , weil seine Eltern eine Werkstatt haben. Sein Bruder .... Bürokaufmann werden.

c) Hassan Bordbar .... eine andere Arbeit suchen, weil er einen Unfall hatte.
Eigentlich .... er nicht Nachtwächter werden, aber er .... nichts Anderes finden.

d) Mariam Mohammadi .... eigentlich nicht Krankenschwester werden.
Ihre Eltern .... lieber noch eine Lehrerin in der Familie.
Aber sie .... dann doch im Krankenhaus arbeiten.

5. **Sind Sie Mitglied in einem Sportverein?**
Welchen Sport treiben Sie? Traninieren Sie jede Woche?
Wie lange?

Grammatik — *1B*

a) Reflexive Verben – Akkusativ

Ich interessiere	mich	
Du interessierst	dich	
Wir interessieren	uns	für die Arbeit.
Ihr interessiert	euch	

Sie (sie)	interessieren	sich	für die Arbeit.
Er	interessiert		
Sie			

Die Arbeit interessiert mich(dich / ihn / sie / uns / euch / Sie)

1. Ich interessiere mich für die Arbeit.
   Die Arbeit interessiert mich.
   Du interessierst dich für die Arbeit.
   Die Arbeit interessiert dich.
   Interessiert Sie die Arbeit? –Nein, die interessiert mich nicht.
2. Er interessiert sich für die Arbeit.
   Die Arbeit interessiert ihn.
   Interessiert ihn die Arbeit? –Nein, die interessiert ihn nicht.
3. Interessieren Sie sich für Musik? – Ja, dafür interessiere ich mich.
   Interessiert Sie Musik? –Nein, die interessiert mich nicht.

3. Person Singular (er/sie) und Plural (Sie, sie): sich

1. und 2. Person Singular und Plural = Personalpronomen im Akkusativ

sich bewerben	Ich möchte mich um diese Stelle bewerben.
sich bemühen	Bemühen Sie sich doch um diese Stelle!
sich vorstellen	Ich möchte mich gern bei Ihnen vorstellen.
sich langweilen	Er langweilt sich bei der Arbeit.

b) Präpositionen mit Genitiv: während, innerhalb, außerhalb

1. Während der Ferien hat Peter gearbeitet.
2. Innerhalb eines Monates haben wir das Haus gemalt.
3. Mein Onkel wohnt außerhalb der Stadt.

Übungen

1. Bilden Sie Sätze nach den Beispielen.

1.1 Beispiel: Interessieren Sie sich für Musik?

Natürlich interessiere ich mich für Musik.

(Nein, für Musik interessiere ich mich nicht.)

(– Ja, Musik interessiert mich. –Nein, Musik interessiert mich nicht.)

a) Sport b) Fußball c) Fernsehen d) Kino e) Romane f) Kirchen g) Museen h) Mathematik

1.2 Beispiel: sich vorstellen / sich bewerben

–Warum stellst du dich nicht vor?–Ich habe mich schon vorgestellt.

(–Warum bewirbst du dich nicht?–Ich will mich morgen bewerben.)

a) er b) Sie c) sie d) ihr

1.3 Beispiel: – Wie finden Sie diese Stelle? – Die finde ich sehr interessant.

– Wie finden Sie denn den Chef? – Den fand ich sehr sympathisch.

a) Film – langweilig b) Roman – interessant c) Wohnung – zu teuer
d) Haus – zu groß e) Fußballspiel – nicht gut f) Moschee – hübsch

1.4 Beispiel: Stören Sie die Kinder? – Nein, die stören mich nicht.

(– Ja, manchmal stören sie mich.)

(– Die haben mich schon immer gestört.)

a) die Musik b) das Telefon c) meine Schreibmaschine d) der Chef.

1.5 Beispiel: – Stört es Sie, wenn ich rauche? – Ja, das stört mich.

(– Bitte, rauchen Sie jetzt nicht!)

(– Nein, das stört mich nicht.)

(– Sie dürfen hier rauchen.)

a) Stört es Sie, wenn ich Flöte spiele?
b) Stört es ihn, wenn ich fernsehe?
c) Stört es sie, wenn ich lese?
d) Stört es euch, wenn ich Musik mache?
e) Stört es dich, wenn ich telefoniere?

1.6 Beispiel: Müssen Sie manchmal abends arbeiten?

– Manchmal? Ich arbeite sehr oft abends.

a) nachts b) sonntags c) in den Ferien d) samstags e) im Urlaub

1.7 Beispiel: – Hast du das Buch mitgebracht?

– Nein, aber das kann ich nächste Woche mitbringen.

a) das Tonband – morgen
b) die Zeitung – am Dienstag
c) das Heft – heute abend
d) Ihre Bewerbung – morgen früh
e) den Brief – übermorgen

1.8 Beispiel: sich bemühen (um) / sich bewerben (um) / sich kümmern (um) / sich langweilen / sich vorstellen

a) Ich habe Ihre Anzeige gelesen und möchte .... um die Stelle einer Fremdsprachensekretärin ....

b) Wenn ihr in Ahwas Urlaub machen wollt, müßt ihr ... schon jetzt um ein Hotelzimmer ....

c) Im Geschichtsunterricht hat er .... immer ....

d) Ich habe Ihnen mein Bewerbungsschreiben geschickt und möchte fragen, wann ich .... kann.

e) Er hat .... sehr um die Stelle ...., aber er hat sie nicht bekommen.

1.9 Beispiel: Ich möchte mich um diese Stelle bewerben.
Hiermit möchte ich mich um diese Stelle bewerben.

a) Er studiert in Braunschweig.
– Seit Herbst dieses Jahres ....
b) Wir suchen eine Sekretärin.
– Für den Chef der Exportabteilung ....
c) Sie besuchte die Grundschule in Kassel.
– Von 1963 bis 1969 ....
d)Wir waren sechs Wochen in Indien.
– Während der Schulferien ....
e) Er findet keine Arbeit.
– Innerbalb dieser Fachrichtung ....
f) Meine Eltern zogen nach Frankfurt.
– Im Jahre 1978 ....

1.10 Beispiel: In den Sommerferien habe ich in einer Metallfabrik gearbeitet.
Während der Sommerferien habe ich in einer Metallfabrik gearbeitet.

a) In der Nacht hat es geregnet.
Während ....
b) Peter hat im Geschichtsunterricht immer Hausaufgaben gemacht.
Während ....
c) Familie Scharifi hat in einem Jahr fünfmal die Wohnung gewechselt.

Innerhalb ....

d) Sie ist in den Ferien krank geworden.

Während ....

e) Er hat in einer Woche zwei Unfälle gehabt.

Innerhalb ....

Nach der Stellensuche *1C*

1. Eine Anzeige

Wir sind ein Teppichunternehmen mit 34 Geschäften in Deutschland. Für unseren Verkaufsdirektor suchen wir irgend eine

Chefsekretärin

mit mehreren Jahren Berufserfahrung. Wir bieten einen angenehmen und sicheren Arbeitsplatz mit sympathischen Kollegen. Wenn sie ca 25 – 35 Jahre alt sind, Schreibmaschine schreiben und im Team arbeiten können, bewerben Sie sich **bei Iran Teppich & Co**
Goethe Straße, 2203 Köln

2. Bewerbung

Iran Teppich & Co
Goethe Straße 8
2203 Köln

Betr: Bewerbung als Chefsekretärin in Ihrer Anzeige
Sehr geehrte Damen und Herren,
ich bewerbe mich hiermit um die Stelle als Chefsekretärin in Ihrer Firma. Seit 1991 arbeite ich als Sekretärin bei Firma Rupp in Hamburg. Ich möchte gern in Team arbeiten und suche deshalb eine neue Stelle

Mit freundichen Grüßen
Marina Sauer

3. Lebenslauf

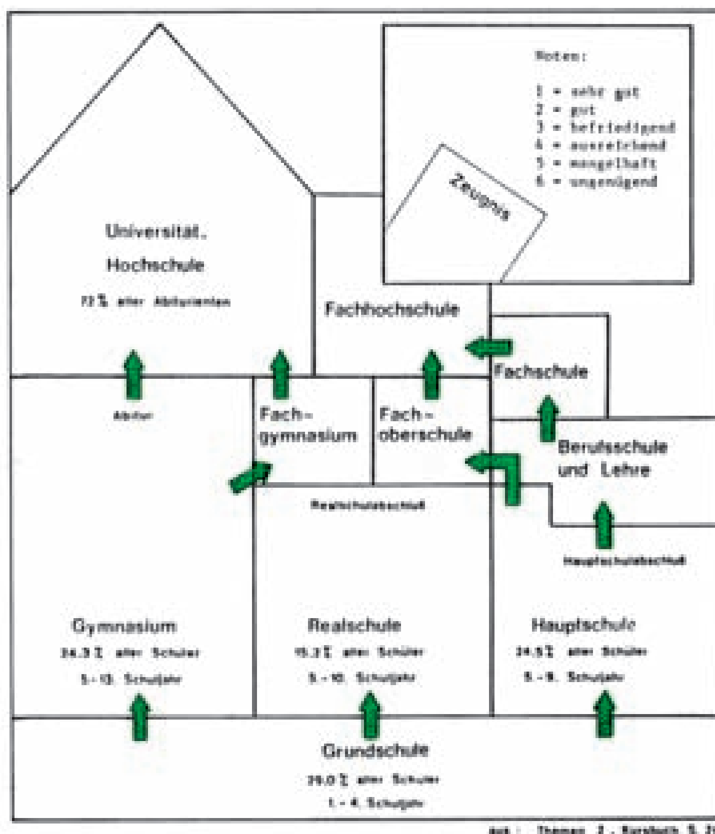
Name	Sauer
Vorname	Marina
geboren am	5.2.1965
in	Kiel
Eltern	Anna Sauer (geb. Müller) / Peter Sauer
1971 1975	Grundschule
1975 1983	Goethegymnasium (Abitur)
1984 1986	Dolmetscherinstitut in Hamburg Englisch / Fransösisch
1987 1990	Sprachpraktikum im Frankreich und in den U.S.A
1991 bis heute	Sekretärin bei Firma Rupp / Hamburg
Hobbys	Lesen – Tennis spielen

4. Schreiben Sie einen Lebenslauf!

Geburtstag, Geburtsort, Eltern
Schulbesuch, Abschlußprüfung
Lehre in der Firma ...
(Studium an der Universität von ...)
Hobbys

5. Haben Sie während der Schulferien praktisch gearbeitet? Wo? Wie lange? Wieviel haben Sie verdient? Haben Sie bei Ihren Eltern gewohnt? Hat Sie die Arbeit interessiert?

Schulsystem in Deutschland *1D*



1. Was ist richtig? Was ist falsch? Korrigieren Sie die falschen Aussagen!

Das Schulsystem in Deutschland	Richtig	Falsch
a) Die Grundschule dauert in Deutschland 5 Jahre.		
b) Jedes Kind muß die Grundschule besuchen. Wenn man die Grundschule besucht hat, kann man zwischen Hauptschule, Realschule und Gymnasium wählen.		
c) In Deutschland gibt es Zeugnisnoten von 1 bis 6.		
d) 1 ist die beste, 6 die schlechteste Note.		
e) Auch Religion ist in Deutschland ein Schulfach.		
f) Wenn man studieren will, muß man das Abitur machen.		
g) Das Abitur kann man auf der Realschule machen.		
h) Wenn man den Realschulabschluß oder den Hauptschulabschluß gemacht hat, kann man auch noch auf das Gymnasium gehen.		
i) Nach der Hauptschule kann man eine Lehre machen.		
j) Nur 72 Prozent der Abiturienten fangen nach dem Abitur ein Studium auf der Universität an.		
k) Alle Schüler müssen auf die Hauptschule gehen.		

2. Berichten Sie über das Schulsystem in Ihrem Land!

Alle Kinder müssen ... Jahre die Schule besuchen.

Jedes Kind kann sich die Schule aussuchen.

Die meisten Kinder besuchen die ...

Es gibt Zeugnisnoten von ... bis ...

Jedes Kind kann ...

Manche Schüler ...

Die ... Schule dauert ... Jahre.

Wenn man studieren will, muß man ...

Im Gespräch

Wiederholen Sie die Wörter und Wendungen.

Wem gehört die Brille? (Dir?)	Mir./ Die gehört mir. (/Ja, das ist meine).
Gehört Ihnen die Brille?	Ja, die gehört mir./ Ja, das ist meine. Nein, die gehört mir nicht./ Nein, das ist nicht meine.

Wann haben Sie in dieser Firma angefangen?	Im Jahre 19... Im April 19... Anfang April 19... Vor zwei Jahren. drei Monaten. einer Woche.
Wie lange arbeiten Sie schon in dieser Firma?	Zwei Jahre. Seit zwei Jahren. drei Monaten. einer Woche.

Wann kommt Herr...?	Um drei Uhr. Morgen./Übermorgen./ Sonntag. In einer Woche./ In einer halben Stunde. Nächsten Montag./ Nächste Woche.
Wann war eigentlich Herr ...da?	Gestern./ Letzten Dienstag. Letzte Woche./ Vorige Woche.

Stellensuche

(H: Hans M: Monika)

H: Ich habe mich heute bei der Firma “Müller” in Kassel beworben.
M: Was machen die denn?
H: Die verkaufen Fertighäuser.
M: Fertighäuser? Interessierst du dich denn dafür?
H: Warum nicht. Vielleicht können wir selbst eins kaufen.
Du hast doch immer gesagt, du willst nicht in einer Wohnung wohnen.
M: Und wann kannst du die Arbeit anfangen?
H: Das weiß ich noch nicht.
M: Gut, wenn sie dich nehmen, bewerbe ich mich auch um eine Stelle in Kassel. Vielleicht sucht die Firma eine Fremdsprachensekretärin. Was meinst du?
H: Keine falsche Idee. Warum nicht!

Lesen Sie das Gespräch und kreuzen Sie an!

Richtig oder falsch	**R**	**F**
1. Die Firma Produziert Autos.	☐	☐
2. Monika hat sich bei der Firma um die Stelle beworben.	☐	☐
3. Hans und Monika. wohnen in einer Wohnung.	☐	☐
4. Die Firma sagt Hans, wann er arbeiten kann.	☐	☐
5. Monika möchte in einer anderen Firma arbeiten.	☐	☐
6. Hans ist mit Monikas Vorschlag einverstanden.	☐	☐

2A

Berufe

(Wunsch und Wirklichkeit)

1. Was möchten Sie werden?

Im Jahre 1972 wurden Schulabgänger in der Bundesrepublik Deutschland nach ihren Berufswünschen gefragt. Hier ist die “Hit - Liste”.
% = **Prozent**

a) Jungen

5,9% wollten Kraftfahrzeugmechaniker werden.
5,5% wollten im Büro arbeiten.
5,3% wollten Elektroinstallateur werden.
3,8% wollten eine Lehre als Schlosser machen.
2,5% wollten Lehrer werden.

b) Mädchen

5,6% wollten Kindergärtnerin werden.
4,2% wollten als Krankenschwester arbeiten.
4,2% wollten eine Lehre als Friseur machen.
2,1% wollten Lehrerin werden.
1,6% wollten Bankangestellte werden.

Die Jungen nannten außerdem sehr häufig den Beruf des Rundfunk- und Fernsehmechanikers, und über 14000 Mädchen wollten Sprechstundenhilfe bei einem Arzt werden.



2. Welchen Beruf hätten Sie gern?

2.1 In einer Umfrage für die Zeitschrift “STERN” hat das “Institut für Demoskopie Allensbach” herausgefunden, welche Berufe sich deutsche Männer im Jahre 1979 wünschten. (Es wurden Männer gefragt, die bereits im Berufsleben standen. Welche Berufe sie wirklich hatten, ist leider nicht bekannt.)
Die Ergebnisse der Befragung stehen auf der nächsten Seite.

2.2 Warum haben die befragten Männer wohl diese Antworten gegeben? Wir wissen es nicht. Aber hier sind einige Begründungen. Welche paßt zu welchem Beruf?
(Achtung! Nicht alle Begründungen sind ernst gemeint.)
a)Weil ein … viel von der Welt sieht.
b) nicht viel arbeitet.
c) nicht in der Stadt wohnen muß.
d) anderen Menschen Freude macht.

e) viel Geld verdient.
f) anderen Menschen helfen kann.
g) viel Ferien hat.
h) nicht reisen muß.
i) viel reisen muß.

3. Die Umfrage des Jahres 1979

3.1 Frage an Männer:
Welche von diesen Berufen hätten Ihnen Freude gemacht? Sie können mehrere Berufe angeben.

Die Ergebnisse:

Berufe	%	Berufe	%
Arzt	33	Pilot	11
Architekt	26	Musiker	11
Ingenieur	24	Landwirt	10
Lehrer	22	Psychologe	9
Rechtsanwalt	20	Chemiker	7
Journalist	15	Politiker	4
Hochschulprofessor	12	Seemann	3

Wie hätten Sie geantwortet?
Weil ich als … viel von der Welt sehe.
Weil ich als ….

3.2 Und nun die Damen!
Eine ähnliche Umfrage bei Frauen liegt uns nicht vor. Deshalb machen wir jetzt eine. Was möchten Sie werden, bzw. (= beziehungsweise) welchen Beruf hätten Sie gern?

Ärztin	Journalistin	Politikerin
Architektin	Hochschulprofessorin	Krankenschwester
Ingenieurin	Landwirtin	Kindergärtnerin
Lehrerin	Psychologin	Schneiderin
Rechtsanwältin	Chemikerin	

3.3 Haben Sie Schon einmal an einer Umfrage teilgenommen?
Was Wollte man von Ihnen wissen?
Hier ist eine typische Umfrage für berufstätige Frauen:

a) Sind Sie verheiratet?
b) Haben Sie Kinder? Wie viele? Wie alt sind Ihre Kinder?
c) Gehen Ihre Kinder zur Schule oder in den Kindergarten?
d) Wann müssen Sie morgens aufstehen?
e) Wer macht das Frühstück, Sie oder Ihr Mann?
f) Wie kommen Sie zur Arbeit?
g) Wo essen Sie mittags, in der Firma oder in einem Restaurant?
h) Wo essen Ihre Kinder, in der Schule, im Kindergarten oder zu Hause?
i) Wann kommen Sie abends nach Hause?
j) Wann kaufen Sie ein, abends oder am Samstag?
k) Hilft Ihr Mann Ihnen beim Einkaufen?
l) Wie viele Stunden arbeiten Sie täglich?
m) Wie viele Stunden arbeitet Ihr Mann?

3.4
Schreiben Sie eine Umfrage für Ihre Klassenkameraden und – kameradinnen.

Grammatik *2B*

a) Adjektive – Kennen Sie das Gegenteil?

klein ↔ groß	sympathisch ↔ <u>un</u>sympathisch
neu ↔ alt	bekannt ↔ <u>un</u>bekannt
richtig ↔ falsch	praktisch ↔ <u>un</u>praktisch
billig ↔ teuer	interessant ↔ <u>un</u>interessant
lang ↔ kurz	gefährlich ↔ <u>un</u>gefährlich
interessant ↔ langweilig	weit ↔ nah
früh ↔ spät	allein ↔ zusammen
einfach ↔ kompliziert	jung ↔ alt

b) Reflexive Verben - Dativ

Ich wünsche	mir	eine gute Ausbildung.
Du wünschst	dir	
Wir wünschen	uns	
Ihr wünscht	euch	
Sie wünschen	sich	
Er wünscht		
Sie wünscht		

3. Person Singular (er/sie) und Plural (Sie, sie): **sich**
1. und 2. Person Singular und Plural = **Personalpronomen im Dativ.**

sich etwas kaufen	Monika kauft sich ein Auto.
sich etwas brechen	Ich habe mir den Arm gebrochen.
sich ansehen	Den Film möchte ich mir ansehen.

sich vorstellen	Stell dir vor, Petra ist bei der Post. (Dativ)
	Kann ich mich morgen bei Ihnen vorstellen? (Akkusativ)
	Der neue Schüler stellt sich dem Lehrer vor.
	Kennen sie Frau Müller nicht? Ich stelle sie Ihnen vor. Akk. Dat.
	Stell dir vor, Petra hat endlich eine Stelle gefunden.

c) Nebensätze

c.1 daß

Ich	interessiere	mich für die Schulausbildung.
Alle	gehen	in Deutschland zur Schule.
Die Lehrzeit	beträgt	drei Jahre.

Der Journalist sagt,	daß	er sich für die Schulausbildung	interessiert.
berichtet,	daß	alle in Detschland zur Schule	gehen.
weiß,	daß	die Lehrzeit drei Jahre	beträgt.

c.2 Indirekte Fragesätze (Fragewörter)

Welchen Beruf	wünschen	Sie sich?
Wer	macht	das Frühstück?
Wo	essen	Sie?
Wann	kaufen	Sie ein?
Wie viele Stunden	arbeiten	Sie täglich?

Das Institut möchte wissen,	welchen	Beruf Sie sich	wünschen.
	wer	das Frühstück	macht.
	wo	Sie	essen.
	wann	Sie	einkaufen.
	wie viele	Stunden Sie täglich	arbeiten.

c.3 Relativsätze (Relativpronomen)

Die Umfrage betrifft die Lehrer.
Viele Mädchen nannten den Beruf der Friseur.
Er hat dem Kollegen bei der Arbeit geholfen.
Die befragten Männer standen bereits im Berufsleben.

Das ist eine Umfrage,	die	die Lehrer	betrifft.
Das ist ein Beruf,	den	viele Mädchen	nannten.
Das ist der Kollege,	dem	er geholfen	hat.
Das waren Männer,	die	bereits im Berufsleben	standen.

Relativpronomen = Bestimmter Artikel

Ausnahmen:

Genitiv	Herr Meyer, dessen Frau berufstätig ist, geht einkaufen. Frau Müller, deren Mann Arzt ist, ist unsere Nachbarin. Herr und Frau Müller, deren Kinder noch in die Schule gehen, haben ein neues Auto
Dativ Plural	Herr und Frau Müller, denen wir gestern geholfen haben, sind verreist.

d) einige – mehrere – alle

Nom. +Akk.	die Freunde		einige	mehrere	alle	Freunde
Dat.	mit den Freunden	mit	einigen	mehreren	allen	Freunden

Beispiel: Was möchten die Schüler heute machen?
Einige (Schüler) möchten einen Ausflug machen.
Mehrere (Schüler) möchten aber ins Kino gehen.
Alle (Schüler) müssen aber vorher die Hausaufgaben machen.

e) Das Substantiv – Deklination

	Singular	Plural
Nom.	der Kollege der Mensch	die Kollegen die Menschen
Akk.	den Kollegen den Menschen	die Kollegen die Menschen
Dat.	dem Kollegen dem Menschen	den Kollegen den Menschen
Gen.	des Kollegen des Menschen	der Kellegen der Menschen

Manche Nomen wie **Student**, **Polizist**. **Junge**, **Passant**, **Nachbar**, **Herr**, …… gehören zu dieser Deklinationstyp.

der Jugendliche, den/dem/des Jugendlichen, die Jugendlichen
der Angestellte, den/dem/des Angestellten, die Angestellten
der Junge, den/dem/des Jungen, die Jungen
der Archäologe, den/dem/des Archäologen, die Archäologen
der Herr, den/dem/des Herrn, die Herren

Beispiel:
Der Junge spielt Fußball. Ich kenne den Jungen nicht.
Ich kenne den Weg nicht. Ich muß den Polizisten fragen.
Unser Nachbar ist alt. Wir helfen unseren Nachbarn.
Der Sohn des Archäologen möchte Archäologe werden.

Übungen

1.1 Schreiben Sie nach dem Beispiel.

Beispiel: ***Macht Ihnen Ihr Beruf Freude? (Ich sehe viel von der Welt.)***
– Ja, ich sehe viel von der Welt.
Mein Beruf macht mir Freude, weil ich viel von der Welt sehe.

a) Ich muß viel reisen.
b) Ich verdiene viel Geld.
c) Ich kann auf dem Lande wohnen.
d) Ich kann anderen Menschen helfen.
e) Ich habe viel Ferien.
f) Ich kann anderen Menschen Freude machen.

1.2 Beispiel: Der Reporter fragt: "Welchen Beruf haben Sie?"
Er möchte wissen, welchen Beruf Sie haben.

a) Wie viele Kinder haben Sie?
b) Wann müssen Sie morgens aufstehen?
c) Welchen Beruf hätten Sie gern?
d) Wo wohnen Sie?
e) Wie viel verdienen Sie?
f) Was für Prüfungen haben Sie gemacht?
g) Wie alt Sind Sie?

1.3. Beispiel: Was für einen Beruf hätten Sie gern? – Einen interessanten!
Einen interessanten Beruf hätte jeder gern!

a) Haus – groß
b) Buch – schön
c) Chef – sympathisch
d) Wohnung – billig
e) Wagen – klein

1.4. Beispiel: Immer mehr Mädchen möchten technische Berufe ergreifen.
In der Zeitung steht, daß immer mehr Mädchen technische Berufe ergreifen möchten.

a) Er hat in den Ferien als Briefträger gearbeitet.
   Er hat mir erzählt, daß …
b) Die Ausildung dauert drei Jahre.
   Hier steht, daß …
c) Sie kommt heute nicht zur Arbeit.
   Sie hat gesagt, daß…
d) Sie macht eine Ausbildung als Fernmeldetechnikerin.
   Sie hat erzählt, daß …
e) Sie arbeitet genauso wie die Jungen.
   Der Ausbilder sagt, daß …
f) Die Fernschreiber gehören auch dazu.
   Sie wußte nicht, daß …

1.5 Beispiel: Die Umfrage stand gestern in der Zeitung.
Ist das die Umfrage, die gestern in der Zeitung stand?

a) Mein Freund hatte letzte Woche einen Unfall.
b) Diese Firma sucht einen Ingenieur.
c) Das Buch wollen wir kaufen.
d) Der Kollege sucht eine neue Stelle.
e) Diese jungen Leute haben gestern mit mir diskutiert.
f) In diesem Sportverein bin ich seit drei Jahren Mitglied.

1.6 Beispiel:Arbeiten Sie gern in einem Team? Kommen Sie zu uns!
Wenn Sie gern in einem Team arbeiten, kommen Sie zu uns!

a) Wollen Sie sich bewerben? Schreiben Sie uns einen Brief!
b) Sie möchten bei uns arbeiten? Schreiben Sie Ihren Lebenslauf!
c) Sie wollen gut verdienen? kommen Sie zu uns!
d) Sie können uns nicht besuchen? Rufen Sie uns an!
e) Sie wollen Arzt werden? Dann müssen Sie ein Praktikum machen.

1.7 Beispiel: Den Beruf habe ich mir gewünscht.
Ist das der Beruf, den du dir gewünscht hast?

a) Der Artikel stand heute in der Zeitung.
b) Das Kleid habe ich mir gestern gekauft.
c) Dem Jungen habe ich gestern ein Buch gegeben.
d) Diesen Brief suche ich.
e) Die Artikel hat sie für die Schülerzeitung geschrieben.
f) Das Tonband habe ich den Schülern vorgespielt.
g) Der Herr arbeitet bei der IRAN AIR.

1.8. Beispiel:
Ich habe einige Jugendliche interviewt.
(Hier habe ich ein Tonband mit den Interviews einiger Jugendlicher.)
(Ich habe das Tonband einigen Jugendichen vorgespielt.)

a) einige Erwachsene
b) meine Kollegen
c) mehrere Angestellte
d) ein Psychologe
e) alle Eltern

2. Ergänzen Sie:
2.1 dessen – deren

a) Ist das der Mann, …… Sohn Kunst studiert?
b) Was machen die Kinder, …… Eltern berufstätig sind?
c) Das ist Fräulein Neumann, …… Bewerbungsschreiben gestern ankam.
d) Wie hieß die Frau, …… Tochter im Fotogeschäft arbeitet?
e) Das ist der Schüler … Vater einen Unfall hatte.

2.2 mir - dir - euch - sich

a) Was wünschst du ...... zum Geburtstag?

b) Ich wünsche ...... ein Fahrrad.

c) Dieses Fußballspiel muß ich ...... ansehen.

d) Ich habe ...... beim Skifahren das Bein gebrochen.

e) Was wünscht ihr ...... zu Norus?

f) Die Kinder wünschen ...... lange Ferien.

g) Ich kann ...... nicht vorstellen, daß er ...... für diesen Beruf eignet.

3. Schreiben Sie die richtigen Formen von *Welch*

a) Wissen Sie schon, ... Ausbildung Sie machen wollen?

b) Der Test zeigt, ... Personen sich für den Beruf eignen.

c) In der Umfrage steht nicht, ... Begründung es dafür gibt.

d) ...... Berufe sind typische Frauenberufe?

e) ...... Arzt soll ich anrufen?

f) Wissen Sie,...... Reporter das geschrieben hat?

Konversation 2C

(Gabi und Petra)

G: Hallo, Petra, lange nicht gesehen. Wie geht's?

P: Danke, prima. Und dir?

G: Auch nicht schlecht. Was machst du eigentlich jetzt?

P: Ich bin bei der Bundespost.

G: Was? Als Briefträgerin?

P: Nee. Ich bin in der Ausbildung als Fernmeldetechnikerin.

G: Das hört sich ja kompliziert an. Was ist denn das?

P: Du kannst auch sagen "Telefontechnikerin". Aber bei uns heißt das offiziell "Fernmeldetechnik", weil auch die Fernschreiber dazugehören, und der Funk und alles das.

G: Interessierst du dich denn dafür?

P: Klar, darum tue ich das doch. Ich arbeite genauso wie die vier Jungs in der Gruppe.

G: Und was sagen die?

P: Was sollen die schon sagen?

G: Na ja, sie mögen vielleicht nicht, daß ein Mädchen die gleiche Arbeit macht.

P: Das mag schon sein. Jedenfalls, mir macht die Arbeit Spaß, und das ist die Hauptsache. Meinst du nicht auch?

G: Sicher.



1. Ein Interview

Journalist: Entschuldigen Sie, darf ich Sie etwas fragen? Ich bin aus Iran und arbeite als Journalist.

Karin: Was möchten Sie denn wissen?

Journalist: Ich interessiere mich für die Schulausbildung im Deutschland. Welche Ausbildung haben Sie? Können Sie mir darüber etwas erzählen?

Karin: Ja, gern! Ich war zuerst vier Jahre in der Grundschule, bevor mich meine Eltern aufs Gymnasium schicken wollten. Ich mußte eine Prüfung machen, die ich bestanden habe. Auf dem Gymnasium hatten wir die Fächer Deutsch, Mathematik, Physik und Englisch. Das waren Hauptfächer, die ich sehr gern hatte. Wir hatten auch noch einige Nebenfächer. 1998 machte ich das Abitur und begann mein Studium. Ich studierte Chemie, zehn Semester, d.h. fünf Jahre. Jetzt arbeite ich in einem Institut für Lebensmittel - Chemie. Die Arbeit gefällt mir, und ich verdiene dort dreitausend Euro im Monat.



Journalist: Und wie war das bei Ihnen?

Helmut: Tja, bei mir lief das anders. Nach der Hauptschule mußte ich von unten anfangen. Zuerst kam die Lehre. Die Lehrzeit beträgt noch immer drei Jahre.

Ich bekam damals noch wenig Geld, 450 Euro am Anfang, so daß ich mir nicht vieles kaufen konnte. Dann machte ich die Gesellenprüfung und später die Meisterprüfung, die sehr schwer war. So arbeitete ich mich langsam nach oben. Ich wollte ein eigenes Geschäft gründen, aber bisher klappte das nicht. Jetzt arbeite ich bei einer Elektrofirma und verdiene 1800 Euro.

Journalist: Warum sind Sie nicht aufs Gymnasium gegangen?

Helmut: Ich sollte schnell einen Beruf lernen, das wollten meine Eltern. So verdiente ich schon mit 15 Jahren etwas Geld. Außerdem ist mein Vater Handwerker, und er dachte, daß sein Sohn auch Handwerker werden soll.

Karin: Mein Vater war Architekt. Er hat studiert und deshalb sollte ich auch studieren.

Geld verdiente ich allerdings erst mit 25. Aber meine Eltern konnten sich das leisten…

2. Jetzt fragen Sie!

a) Wer?	Der Journalist.
b) Woher?	Aus Iran.
c) Wofür interessiert er sich?	Für die Schulausbildung im Deutschland.
d) Wer?	Karin.
e) Was besuchte sie zuerst?	Grundschule.
f) Wie lange?	Vier Jahre.
g) Wohin ging sie dann?	Ins Gymnasium.
h) Warum?	Die Eltern wollten das.
i) Hat sie die Prüfung bestanden?	Ja.

Fragen Sie weiter!

Test:

Lesen Sie noch einmal “Welche Ausbildung haben Sie?”und beantworten Sie jetzt die Fragen:

a) Der Journalist interessiert sich für die Schulausbildung, weil er in Deutschland studieren will.

☐ richtig ☐ falsch

b) Karin ging aufs Gymnasiumm, weil sie die Grundschule besucht hat.

☐ richtig ☐ falsch

c) Alle, die Chemie studieren, arbeiten in einem Institut für Lebensmittel-Chemie, weil sie dort dreitausend Mark verdienen.

☐ richtig ☐ falsch

d) Bei Helmut lief alles anders, weil er die Hauptschule besuchte und danach von unten anfangen mußte.

☐ richtig ☐ falsch

e) Helmut hat vor fünf Jahren ein eigenes Geschäft gründen wollen, weil er sich nach oben gearbeitet hat.

☐ richtig ☐ falsch

f) Manche junge Leute können in Deutschland studieren, weil ihre Eltern sich das leisten können. Andere können das nicht, weil sie schnell einen Beruf haben müssen und ihre Eltern das so wollen.

☐ richtig ☐ falsch

3A

Kennen Sie Ihre Nachbarn?



1. Bekannte, Freunde, Partner

In Städten und großen Wohnsiedlungen wird es immer schwieriger, Bekanntschaften zu schließen.
In kleineren Orten kennt man seine Nachbarn meistens seit der Schulzeit, ist mit ihnen in demselben Sportverein und besucht sich gegenseitig. In den riesigen Wohnblocks der Städte lebt man anonym, und viele Menschen wissen nicht einmal, wer direkt neben ihnen wohnt.
Jugendliche haben es immer noch verhältnismäßig leicht, leichter jedenfalls als Erwachsene. Sie treffen sich in der Schule, Vereinen (Clubs) oder ganz einfach im Stadtpark.
Berufstätige, alleinstehende Menschen die spät nach Hause kommen und früh aufstehen müssen, haben aber, fast überhaupt keine Gelegenheit, Bekanntschaften zu machen. Ihre Zahl wird immer größer.

Manche gehen in die Moschee, viele versuchen es beim Einkaufen, und für die meisten ist der Urlaub die einzige Gelegenheit, Menschen kennenzulernen.

2. Was für Freunde wünschen Sie sich?

Haben Sie genug Freunde, oder möchten Sie neue Bekanntschaften machen?

Sollten Ihre Freunde genauso alt sein wie Sie?
jünger sein als Sie?
älter sein als Sie?
dieselben Hobbys haben wie Sie?
andere Hobbys haben als Sie?
denselben Beruf haben wie Sie?
einen anderen Beruf haben als Sie?
genauso viel Geld verdienen wie Sie?
mehr Geld verdienen als Sie?
weniger Geld verdienen als Sie?
dieselbe Ausbildung haben wie Sie?
eine andere Ausbildung haben als Sie?
ein Kleineres Auto haben als Sie?
ein größeres Auto haben als Sie?
ein genauso großes Auto haben wie Sie?

Oder ist es Ihnen egal, wie alt sie sind?
welche Hobbys sie haben?
welchen Beruf sie haben?
wieviel Geld sie verdienen?
was für eine Ausbildung sie haben?
was für ein Auto sie haben?



Natürlich ist mir das egal!
Es kommt doch nicht darauf an, was sie auf der Bank haben.

3. Geben Sie Auskunft über sich selbst!

3.1 Beruf

Ich bin noch in der Ausbildung.
bin nicht berufstätig.
studiere noch.
bin Facharbeiter.
bin selbständig.
bin Angestellter (Angestellte).
arbeite als...
gehe noch zur Schule.

3.2 Meine Interessen und Hobbys

Interessiert mich – interessiert mich nicht

Kino – Theater
Private Geselligkeit
Wandern
Politik – Wirtschaft
Soziale Fragen
Psychologie
Erziehungsfragen
Garten
Religion
Natur
Tiere
Reisen

Fotografieren
Auto – Technik
Literatur
Kunst
Klassische Musik
Kochen – Essen
Sport
Basteln
Malen – Zeichnen
Musizieren

Grammatik *3B*

a) Das Adjektiv – Komparativ

a.1

Manche sagen:	
Das Leben ist schwierig.	Und es wird immer schwieriger.
Andere sagen:	
Das Leben ist leicht.	Und es wird immer leichter.

a.2

Er ist genauso groß wie sein Vater.	Aber größer als sein Bruder.
Sie ist genauso alt wie ihre Freundin.	Aber älter als ihr Bruder.
Er ist noch sehr jung.	Er ist jünger als seine Freunde.

Ihr habt dieselben Probleme wie wir.
Oder habt ihr andere Probleme als wir?
Er hat genauso viel/wenig Zeit wie wir.
Oder hat er mehr/weniger Zeit als wir?

a.3 derselbe, dasselbe, dieselbe

Singular

	Mask.	**Neutr.**	**Fem.**
Nom.	derselbe Freund	dasselbe Problem	dieselbe Freundin
Akk.	denselben	dasselbe Problem	dieselbe Freundin
Dat.	mit demselben	mit demselben	mit derselben

Plural

Nom.	dieselben Leute
Akk.	dieselben Leute
Dat.	mit denselben Leuten

Siehe auch: die meisten (Plural) – die meisten Leute, mit den meisten Leuten

b) Infinitivsätze mit “zu”

Er möchte Bekanntschaften machen.
Freundschaften schließen.
Menschen kennenlernen.
Aber es ist schwierig, Bekanntschaften **zu machen**.
Freundschaften **zu schließen**.
Menschen **kennenzulernen**.

c) manche – viele

Manche (Menschen)	
	versuchen, mehr Freunde zu gewinnen.
Viele (Menschen)	

Übungen

1. Sagen und schreiben Sie nach den Beispielen.

1.1 Beispiel: Diese Prüfung ist schwierig. – Die andere ist noch schwieriger.

a) Diese Ansichtskarte ist schön. b) Dieser Apparat ist klein. c) Dieses Kleid ist billig. d) Diese Wohnung ist groß. e) Dieser Film ist langweilig. f) Dieses Buch ist interessant. g) Dieser Artikel ist kompliziert. h) Dieser Ort ist hübsch.

1.2 Beispiel: Ich glaube, er ist genauso groß wie sein Vater. – Nein, er ist kleiner als sein Vater.

a) Ich glaube, er ist genauso alt wie mein Sohn. (jung)
b) Ich glaube, eure Wohnung ist genauso teuer wie unsere. (billig)
c) Ich glaube, dieses Haus ist genauso groß wie unseres. (klein)
d) Ich glaube, dieser Fernseher kostet genauso viel wie eurer. (wenig)
e) Ich glaube, der Bus kommt genauso früh wie der Zug. (spät)
f) Ich glaube, dein Beruf ist genauso langweilig wie meiner. (interessant)
g) Ich glaube, du verdienst genauso viel wie ich. (wenig)

1.3 Beispiel: derselbe – denselben
Da läuft noch derselbe Film wie vorige Woche.
Ich sehe mir doch nicht zweimal denselben Film an!

a) Das ist derselbe Artikel wie gestern. – Ich lese doch...!
b) Ist das derselbe Club wie gestern? – Ich gehe doch...!
c) Das ist ja derselbe Brief wie gestern! – Muß ich denn... lesen?
d) Das ist ja derselbe Braten wie gestern! – Ich esse doch...!

1.4 Beispiel: demselben

Fahren Sie auch mit diesem Bus? Dann fahren wir ja mit demselben!

a) Fliegen Sie auch mit diesem Flugzeug? b) Fahren Sie auch mit diesem Zug? c) Sind Sie auch in diesem Verein? d) Essen Sie auch in diesem Restaurant? e) Wohnen Sie auch in diesem Hotel? f) Kaufen Sie auch in diesem Geschäft? g) Sind Sie auch aus diesem Dorf? h) Kommen Sie auch von diesem Konzert?

1.5 Beispiel: dieselbe – derselbe

Nehmen wir dieselbe Bahn? – Natürlich, wir können mit derselben fahren.

a) Nehmen wir dieselbe Linie? (fahren) b) Ist das dieselbe Schule wie früher? (Ja, die Kinder sind immer noch...) c) Das ist doch dieselbe Wohnung wie früher! (Ja, wir wohnen...) d) Ist das noch dieselbe Straße wie damals? (Ja, wir wohnen immer noch...)

1.6 Beispiel: Ich habe eine Ausbildung als Fernmeldetechnikerin.

Dann haben Sie dieselbe Ausbildung wie ich.

a) Mein Hobby ist Fotografieren. – Dann haben Sie ... Hobby wie ich.
b) Ich bin von Beruf Journalist. – Dann haben Sie ... Beruf wie ich.
c) Am Freitag waren wir in der Motahari – Moschee. – Dann waren Sie ...
d) Wir wohnen in der Siedlung am Stadtpark. – Dann wohnen Sie ...
e) Ich lese die Zeitschrift “Roschd”. – Dann lesen Sie ...
f) Wir haben Probleme mit unseren Nachbarn. – Dann haben Sie ...

1.7 Beispiel: Hat er dasselbe Problem wie ich?

Nein, er hat ein ganz anderes Problem als Sie!

a) Hat sie dieselben Hobbys wie ich? b) Hat er dieselbe Ausbildung wie mein Vater? c) Hat Ihr Sohn dieselben Interessen wie Sie? d) Interessierst du dich für denselben Job wie er? e) Bewerben Sie sich um dieselbe Stelle wie Herr Bahrami? f) Lesen Sie dieselben Zeitschriften wie ich?

1.8 Beispiel: Es ist schwierig, eine Stelle zu finden.

Es wird immer schwieriger, eine Stelle zu finden.

a) Es ist teuer, Medizin zu studieren. b) Es ist gefährlich, Motorrad zu fahren. c) Es ist einfach, ins Ausland zu reisen. d) Es ist leicht, Deutsch zu lernen.

2. Ergänzen Sie die Lücken mit *als* oder *wie*

a) Sie verdient weniger ... die Männer.

b) Sie hat aber oft dieselbe Ausbildung ... die Männer.

c) Sie arbeitet genauso viel ... die Männer, meistens arbeitet sie sogar mehr ... die Männer.

d) Sie ist nicht so oft krank ... ihr Mann.

e) Sie muß früher aufstehen ... ihr Mann und auch früher ... ihre Kinder.

f) Wenn sie einkauft, kommt sie später nach Hause ... ihre Familie.

g) Sie sieht genauso gern fern ... ihr Mann und ihre Kinder, aber sie hat weniger Zeit dafür.

h) Sie hat weniger Gelegenheit, Menschen kennenzulernen ... berufstätige Frauen.

i) Aber die Familie ist wichtiger für sie ... der Beruf.

Das Leben ist nicht einfach! 3C



Schreiben Sie Infinitivsälze+zu.(Verwenden Sie die Bilder von 3c)

Beispiel: Es ist nicht leicht, ins Ausland zu reisen

Es ist nicht leicht ...
Es ist nicht einfach ...
Es wird immer schwieriger ...
War es früher leichter ... ?
War es früher schwieriger ... ?

Es war noch nie leicht ...
Es war noch nie einfach ...
Es war immer schon schwierig ...
Leichter war es früher auch nicht ...
Schwieriger war es früher ...

a) einen Parkplatz finden
b) Bekanntschaften machen
c) einen guten Job finden
d) viel Geld verdienen
e) ins Ausland reisen
f) allein leben

Konversation 3D

1.



A: Kennen Sie Herrn Baumann?
B: Nein, kenne ich nicht.
A: Da drüben steht er.
Wollen Sie ihn kennenlernen?
B: Warum nicht!
A: Herr Baumann, das ist Herr Franzen.
C: Guten Tag, Herr Franzen!
B: Guten Tag, Herr Baumann!

2.



A: Kennen Sie Herrn Lindemann schon?
B: Nein, ich hatte noch keine Gelegenheit, seine Bekanntschaft zu machen.
(Nein, ich hatte noch keine Gelegenheit, ihn kennenzulernen.)
A: Soll ich Sie vorstellen?
B: Ja, gern.
A: Herr Lindemann, darf ich Ihnen Herrn Groß vorstellen?

C: Guten Tag, Herr Groß!

3.

A: Du, kennst Peter?

B: Nee.

A: Du, Peter komm mal her!
Das ist Karl.

C: Tach!



Im Gespräch

Wiederholen Sie die Wörter und Wendungen.

Ich schlage vor, wir gehen jetzt ins Kino. Ich schlage vor, daß wir jetz ins Kino gehen. Ich habe / mache einen Vorschlag ... Gehen wir doch ins Kino! Gehen wir doch mal ins Kino! Wollen wir nicht mal ins Kino gehen?	Ja, gut. Ach nein, ... Es ist zu spät.

Sollten Ihre Freunde dieselben Hobbys haben? Sie sollten einen Club besuchen. Besuchen Sie doch mal einen Club! Warum gehen Sie nicht (mal) in einen Club?	Das ist (mir) egal.

Test:

Mein Wohnort

Klaus Bauer erzählt:
In dem Ort, (1) ... ich wohne, kennt jeder seine Nachbarn seit der Schulzeit. Wir sind alle in (2)... Sportverein, besuchen uns gegenseitig und haben dieselben (3)... . Aber das Leben hier ist nicht besonders interessant, weil wir keine (4)... haben, neue Menschen kennenzulernen. Wir fahren gern ins Ausland, jedes Jahr in ein anderes Land und haben schon viele Freund schaften (5)... . Manchmal besuchen wir die Freunde (6)... Ausland, und dann zeigen wir ihnen unsere Stadt und nehmen (7)... mit ins Club. Manche haben dieselben Hobbys (8)... wir, manche haben auch dieselben Berufe wie wir. Interessanter ist es aber, wenn sie (9)... Hobbys haben als wir und davon erzählen. Es ist ganz egal,wie alt sie sind. Manche sind älter als wir, manche sind auch jünger als wir. Die meisten haben auch Kinder,(10)... mit unseren Kindern spielen. Natürlich sprechen sie meistens eine andere Sprache, aber das ist gerade interessant.

Was kommt in die Lücke, **a**, **b** oder **c**

1. a) wer	b) wo	c) wohin
2. a) derselbe	b) der	c) demselben
3. a) Hobbys	b) Kinder	c) Klasse
4. a) Geld	b) Gelegenheit	c) Menschen
5. a) geschlossen	b) gemacht	c) gefunden
6. a) das	b) im	c) aus dem
7. a) Ihnen	b) sie	c) Sie
8. a) als	b) wie	c) auch
9. a) dieselben	b) andere	c) dasselbe
10. a) das	b) die	c) denen

4A

Die Geschichte des Autos

1886 – 1979 Größer, schneller, teurer!
1980 – ? Kleiner, langsamer, sparsamer?

1. Einige Daten

1876 Der Viertaktmotor des Konstrukteurs Nikolaus August Otto, der "Otto – Motor", wird patentiert.

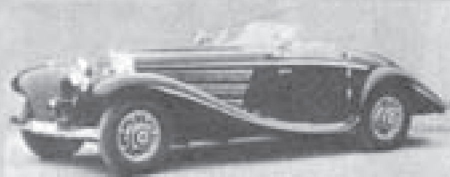
1885 Gottlieb Daimler und Wilhelm Maybach bauen einen Otto – Motor in ein Zweirad ein. Dieses erste Motorrad der Welt hat einen Hubraum von 264 ccm.

1886 Karl Benz führt am 3. Juli 1886 seinen dreirädrigen "Patent– Motorwagen" der Öffentlichkeit vor. Dieses Datum gilt als Gebutrstag des Automobils. Im selben Jahr bauen Daimler und Maybach das erste vierrädrige Auto, eine Kutsche mit Motor. Es ist schneller als der Wagen von Benz: 18 km/h.

1892 Rudolf Diesel erfindet den "Dieselmotor". Er ist sehr schwer und wird deshalb nur in Lastkraftwagen eingebaut. Für personenkraftwagen (PKWs) wird er erst ab 1936 verwendet.

1900 Auf der Weltausstellung in Paris wird ein Wagen mit Elektromotor vorgeführt. Der Konstrukteur heißt Ferdinand Porsche. Er konstruiert später den Volkswagen und den schnellsten Rennwagen der Welt, den Porsche 917/30 Can – Am (5374 ccm, 420 km/h).





Mercedes – Benz, 1936, 180 PS, 170 km/h
Verbrauch: 26 l

◁ Erste Daimler – Kutsche
1886, 18 km/h



Volkswagen (VW), 1951, 25 PS,
105 km/h, Verbrauch: 7,5 l



BMW Isetta, 1956, 12 PS,
85 km/h, Verbrauch: 5,5 l



BMW 635 CSi, 1977, 218 PS,
220 km/h, Verbrauch: 10 l



Porsche 924 Turbo, 1979, 170 PS,
230 km/h, Verbrauch: 14 l

2. Die Entwicklung der Geschwindigkeit

1886 16 km/h

1906 14 km/h für Lastwagen. 25 km/h für Busse. Der schnellste Rennwagen (200 PS) läuft bereits 180 km/h.

1909 über 200 km/h.

1938 Der Mercedes “Silberpfeil” erreicht 432 km/h.

1965 Robert Summers bricht in Bonneville (Utah, USA) den Geschwindig–keitsrekord für Kolbenmotoren.
Mit vier Chrysler – Motoren erreicht er 655 km/h.
Den absoluten Geschwindigkeitsrekord hält seit 1965 Craig Breedlove mit 966 km/h. Sein Wagen hatte ein Düsentriebwerk.

3. Haben Sie schon gehört?

A: Haben Sie schon gehört?
Das Benzin wird wieder teurer!

B: Was? Schon wieder?

A: Wie viel braucht denn Ihr Wagen?

B: Ungefähr zehn Liter auf der Landstraße und zwölf im Stadtverkehr.

A: Können Sie nicht mit der Bahn fahren?

B: Kann ich schon. Da muß ich früher aufstehen und bin später zu Hause.



“Ein kleines Problem seh' ich nur noch im Straßenverkehr.”

A: Ich habe keine Probleme. Bei mir geht's mit der Bahn am schnellsten. Und ich kann vor der Arbeit schon die Zeitung lesen.

B: Ich brauche nächstes Jahr sowieso einen neuen Wagen.
Ich kaufe mir einen kleineren, der nicht so viel Sprit braucht.
Vielleicht einen Diesel.

4. Der Treibstoff ist knapp – wer braucht am meisten? Eine einfache Rechnung

a) Ein Bus befördert 40 Personen und braucht 20 Liter Benzin auf 100 Kilometer. Das sind
20: 40 = 0,5 Liter pro Person.

b) Ein PKW befördert 4 Personen und braucht 12 Liter auf 100 Kilometer. Das sind
12:4 = 3 Liter pro Person.
c) Ein Düsenflugzeug befördert 200 Personen und braucht 1200 Liter auf 100 Kilometer. Das sind
1200 : 200 = 6 Liter pro Person.

Der Bus braucht am wenigsten und ist am billigsten.
Der PKW braucht mehr als der Bus und weniger als das Flugzeug.
Er ist teurer als der Bus und billiger als das Flugzeug.
Das Flugzeug braucht am meisten und ist am teuersten.

Grammatik 4B

a) Das Adjektiv – Komparation

a.1) teuer – teurer – am teuersten

am billigsten	teuer	teurer	am teuersten
am langsamsten	schnell	schneller	am schnellsten
			





billiger als
langsamer als } →

← { teurer als
schneller als

 der Mercedes
 der BMW
 der Prosche

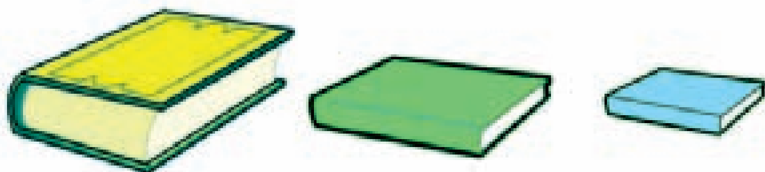
 der Bus
 der PKW
 des Flugzeug

a) Der Bus ist billig und langsam. Er ist von allen am billigsten und am langsamsten.
b) Der PKW ist teurer und schneller als der Bus. Aber er ist langsamer und billiger als... .
c) Das Flugzeug ist am teuersten und schnellsten. Es ist... .
d) Der Mercedes ist teuer und schnell. Aber er ist... .

e) Der BMW ist... .
f) Der Porsche ist... .

a.2) alt – groß – gut - viel – teuer

a) alt	älter	am ältesten
b) groß	größer	am größten
c) gut	besser	am besten
d) viel	mehr	am meisten
e) teuer	teurer	am teuersten



	Komparativ	Superlativ		
schnell	schneller	(der, das, die) schnellste	am	schnellsten
langsam	langsamer	langsamste		langsamsten
teuer	teurer	teuerste		teuersten
lang	länger	längste		längsten
groß	größer	größte		größten
alt	älter	älteste		ältesten
jung	jünger	jüngste		jüngsten

Der Komparativ hat die Endung –er. Der Superlativ hat –st–. Einige einsilbige Wörter haben Umlaut.

Beispiele:

Monika (36) Anna (34) Petra (21)
Monika ist älter als Anna.
Anna ist älter als Petra.
Petra ist am jungsten und Monika ist am ältesten.
Die jungste Dame heißt petra.
Die älteste Dame heißt Monika.

a.3) Unregelmäßige Komparative und Superlative

	Komparativ	Superlativ			
hoch	höher	(der, das, die)	höchste	am	höchsten
gut	besser		beste		besten
gern	lieber		liebste		liebsten
viel	mehr		meiste		meisten
viele	mehr	die	meisten		meisten

a.4)

Das attributive Adjektiv	Das prädikative Adjektiv und das Adverb
der schnelle Wagen	Der Wagen ist schnell. Der Wagen fährt schnell. (= Adverb)
der schnellere Wagen	Dein Wagen ist schneller (als meiner). Dein Wagen fährt schneller. (= Adverb)
der schnellste Wagen	Dieser Wagen ist der schnellste (Wagen). Dieser Wagen fährt am schnellsten.
die schnellsten Wagen	Diese Wagen sind die schnellsten.

Der Superlativ nach am hat immer die Endung – en

Übungen zum Komparativ und Superlativ

1.1 Beispiel: Die Brücke ist aber hoch!
Ja, ich habe auch noch keine höhere gesehen.
Ja, eine höhere habe ich auch noch nicht gesehen.

a) Das Flugzeug ist aber schnell!
b) Die Oper ist aber lang!
c) Der Mann ist aber alt!
d) Die Uhr ist aber teuer!
e) Der Wagen ist aber groß!

1.2 Beispiel: Das Kleid ist aber teuer!
Haben Sie Kein billigeres?
Tut mir leid, ein billigeres haben wir nicht.
Das ist das billigste, das wir haben.
Billigere gibt's nicht.

a) Das Zimmer ist aber klein!
b) Das Tonband ist aber schlecht!
c) Der Apparat ist aber kompliziert! (einfach)
d) Die Zeitschrift ist aber langweilig! (interessant)
e) Der Wagen ist aber langsam!

1.3 Beispiel: Was trinken Sie lieber, Saft oder Wasser? (Kaffee)
Kann ich auch Kaffee haben? Ich trinke am liebsten Kaffee.

a) Was essen Sie lieber, Kalbsbraten oder Rinderbraten? (Fisch)
b) Was trinken Sie lieber, Milch oder Mineralwasser? (Tee)
c) Was essen Sie lieber, Fisch oder Fleisch? (Gemüse)

1.4 Beispiel: Bitte, wie komme ich schnell zum Bahnhof? (U-Bahn)
Am schnellsten kommen Sie mit der U-Bahn zum Bahnhof.

a) Bitte, wo kann man hier billig wohnen? (Hotel am Bahnhof)
b) Bitte, wo kann man hier billig einkaufen? (in der Innenstadt)
c) Bitte, wo kann man hier gut essen? (in der "Krone")
d) Bitte, wo bekomme ich schnell ein Taxi? (vor dem Hauptbahnhof)

1.5 Beispiel: Ich habe noch nie so schöne Häuser gesehen!
Das glaube ich. Das sind auch die schönsten, die es gibt.

a) Ich habe noch nie so interessante Fotos gesehen! b) Ich habe noch nie so hohe Häuser gesehen! c) Ich habe noch nie so alte Autos gesehen! d) Ich habe noch nie so teure Geschäfte gesehen! e) Ich habe noch nie so kluge Menschen gesehen!

b) Das Verb Werden

Hauptverb	Monika ist krank geworden.
	Nächtes Jahr wird Peter Lehrer. (Beruf)
Zukunft	Mein Onkel wird im Sommer kommen.
	Wir werden nächte Woche in Urlaub fahren.
Passive	
	a) Präsens (werden + Partizip Perfekt)
	Mein vater liest **den** Roman
	Der Roman wird gelesen
	b) Präteritum (wurden + Partizip Perfekt)
	Mein Vater las **den** Roman.
	Der Roman wurde gelesen.

Noch einmal das verb “werden”!

	Präsens	**Präteritum**
ich	werde	wurde
du	wirst *	wurdest
er/sie/es	wird *	wurde
wir	werden	wurden
ihr	werdet	wurdet
sie	werden	wurden
Sie	werden	wurden

Beispiele:

O Wer macht das Frühstück bei euch?

Δ Das Frühstück wird immer von der Mutter gemacht.
Kleine Kinder Werden von den Eltern ins Bett gebracht.
Der Mercedes wird in Deutschland hergestellt.
Damals wurden Bücher mit der Hand geschrieben.
Heutzutage werden sie gedrückt.

Übungen zum passiv

2.1 Beispiel:Wer baut eigentlich diesen Wagen? Eine Firma in Stuttgart.
Der wird von einer Firma in Stuttgart gebaut.

a) Wer veröffentlicht Ihren Artikel? Eine Zeitung in München.
b) Wer bezahlt diese Rechnung? Meine Firma.
c) Wo verwenden Sie diesen Computer? Im Büro.
d) Wer veranstaltet diese Ausstellung? Die Automobilfirma.
e) Wer besucht diesen Club? Jugendliche. (Dieser Club ... von jugendlichen ... .)
f) Wer bildet die Mädchen aus? Ingenieure. (Die Mädchen ... von ...)
g) Was bauen Sie denn hier? Maschinen. (Hier werden ...)

2.2 Beispiel: Von wann ist dieses Motorrad? (1885 – bauen)
Das wurde 1885 gebaut.

a) Von wann ist der Elektrowagen? (1900 – vorführen)
b) Von wem ist der Volkswagen? (Ferdinand Porsche – konstruieren)
c) Von wann ist der Viertaktmotor? (1876 – patentieren)
d) Von wann ist der Dieselmotor? (1892 – erfinden)
e) Wann war die Weltausstellung in Paris? (1900 – veranstalten)
f) Wie alt ist diese Firma? (1920 – gründen)

3. Ergänzen Sie die richtigen Formen von *werden + P.P der Verben*
bauen – verwenden – konstruieren – vorführen – machen – fragen – ausbilden – gründen

a) 1886 wurde das erste vierrädrige Auto ... . b) Der Dieselmotor wurde erst später für PKWs... . c) Der schnellste Rennwagen wurde von Porsche... . d) Auf der Weltausstellung wurde ein Wagen mit Elektromotor... . e) Bei der Konstruktion dieser Brücke wurden die neuesten Computer... . f) Bei der Entwicklung dieses Programms wurden Fehler... . g) Bei der Umfrage wurden nur Männer... . h) Heute werden auch Mädchen in technischen Berufen... . i) Wann wurde diese Firma...?

C) Die Deklination

c.1) Adjektivendungen mit bestimmten Artikeln.

	Singular			Plural
Nom.	der klein**e** Mann	die klein**e** Frau	das klein**e** Kind	die klein**en** Kinder
Akk.	**den** klein**en** Mann	die klein**e** Frau	das klein**e** Kind	die klein**en** Kinder
Dat.	dem klein**en** Mann	der klein**en** Frau	dem klein**en** Kind	den klein**en** Kindern
Gen.	des klein**en** Mannes	der klein**en** Frau	des klein**en** Kindes	der klein**en** Kinder

Adjektivendungen

	der	die	das	die
Nom	-e	-e	-e	-en
Akk.	-en	-e	-e	-en
Dat.	-en	-en	-en	-en
Gen	-en	-en	-en	-en

Beispiele:

1. Das kleine (kleinere - kleinste) Auto fährt am schnellsten.
2. Die kluge (klügere - klügste) Frau arbeitet bei Ford.
3. Der alte (ältere - älteste) Mann fährt Wagen.
4. Kennst du den höhen (höheren - höchsten) Turm in Teheran?
5. Ich helfe dem alten (älteren - ältesten) Mann.
6. Kennst du die guten (besseren - besten) Autos in Deutschland?
7. Der Lehrer hilft den schwache**n** schüler**n** mehr.
8. Der Garten des berühmten Politiker liegt am Rein.
9. Die Wohnung der jungen Sekretärin ist nicht groß.
10. Die Eltern der kleinen Kinder sind immer beschäftigt.

c.2) Adjektivendungen mit unbestimmten Artikeln.

	m	f	n	(pl.)
Nom.	ein junge**r** Mann	ein**e** jung**e** Frau	ein jung**es** Mädchen	jung**e** Männer
Akk.	ein**en** jung**en** Mann	ein**e** jung**e** Frau	ein jung**es** Mädchen	jung**e** Männer
Dat.	ein**em** jung**en** Mann	ein**er** jung**en** Frau	ein**em** jung**en** Mädchen	jungen Männer**n**
Gen.	ein**es** jung**en** Mannes	ein**er** jung**en** Frau	ein**es** jung**en** Mädchens	jung**en** Männer

Adjektivendungen

	m.	f	n.	pl.
Nom.	-er	-e	-es	-e
Akk.	-en	-e	-es	-e
Dat.	-en	-en	-en	-en
Gen.	-en	-en	-en	-en

Beispiel (1)

1. Ein **kleines** (**kleineres**) Auto fährt nicht immer schneller.
2. Ein **junger** (**jüngerer**) Polizist hat gestern mein Auto gestoppt.
3. **Berühmte** Dichter sind meistens arm.
4. Kennst du einen **guten** (**besseren**) Lehrer für Chemie.
5. Gestern habe ich einem **alten**(**älteren**)Mann auf der Straße geholfen.
6. Brauchst du eine **neue** Lampe für das Wohnzimmer.
7. Der sohn eines **berühmten** Politikers ist Lehrer geworden.
8. Bei einem **schweren** Unfall ist ein solides Auto am sichersten.
9. Die Absolventen einer Berufsschule finden schnell Arbeit.
10. Der Beruf von **guten** (**besseren**) Ärzten ist nicht einfach.

Beispiel (2)

1. Mein nett**er** Onkel hat einen Garten in Amol.
2. Wo arbeitet dein älter**er** Bruder?
3. Hast du mein**en** rot**en** Bleistift gefunden?
4. Wir haben unser**em** alt**en** Onkel zum Geburtstag gratuliert.
5. Hast du mei**ne** rot**en** Schuhe nicht gesehen?
6. Unsere neu**en** Mitschüler sind aus Ahwaz.

*** Achtung: Adjektivendung mit possessiveartikel im Plural immer -en.**

c.3) Fragewort: Welch- , Artikelwort: dies-

	Nom	**Akkusativ**	**Dativ**
Mann	Welch**er** ? dies**er**	Welch**en** ? dies**en**	Welch**em** ? dies**em**
Frau	Welch**e** ? dies**e**	Welch**e** ? dies**e**	Welch**er** ? dies**er**
Kind	Welch**es** ? dies**es**	Welch**es** ? dies**es**	Welch**em** ? dies**em**
Kinder	Welch**e** ? dies**e**	Welch**e** ? dies**e**	Welch**en** ? dies**en**

Beispiele:

1. Δ Welcher Mann ist hier der Chef?
   o Dieser große Mann.
2. Δ Welches Auto möchtest du kaufen?
   o Ich finde dieser rote (Auto) am schönsten.
3. Δ Welcher Frau hast du geholfen?
   o Dieser alten Frau (habe ich goholfen).
4. Δ Welchen Kindern gefällt der Film?
   o Er gefällt diesen kleinen Kindern.

Übungen(Artikel und Endungen)

Teil (1)

a) Wer hält d __ absolute __ Geschwindigkeitsrekord?
b) Mit welch __ Bus fahren Sie, mit d __ kleine __ ?
c) Welch __ Schirm kaufen Sie, d __ teuerste __ ?
d) Geben Sie mir d __ kleinst __ Stadtplan, d __ Sie haben.
e) Ich bin in d __ selb __ Sportverein wie du.
f) Welch __ Auto wollen Sie denn kaufen? __ Das kleiner __ .
g) Welch __ Mann hat mit Ihnen gesprochen? __ D __ groß __ .
h) Welch __ Junge heißt Hans? __ D __ klein __.
i) Mit welch __ Junge __ haben Sie gesprochen? __ Mit dem klein __ .
j) Morgen will ich mein __ alt __ Vater besuchen.
k) Kennen Sie d __ Fahrer dies __ schwarz __ Wagen __?
I) Vor d __ Hotel parkt ein rot __ Wagen.
m) Ist das der Sohn Ihr __ Freund __?
n) Mit Ihr __ klein __ Wagen können Sie doch nicht schnell fahren!
o) Unser neu __ Lehrer ist sympathisch.
p) Euer neu __ Haus ist schön.
q) Wer wohnt denn in d __ neu __ Haus?
r) Das ist die Mutter mein __ Klassenkamerad __.
s) Wie ist die Höchstgeschwindigkeit dies __ Wagen __ ?
t) Ich will mein __ alt __ Wagen verkaufen.
u) Mein älter __ Bruder ist im Ausland.
v) Ein klein __ Junge hat nach Ihnen gefragt.
w) Ein größer __ Zimmer haben wir nicht.
x) Hier gibt es das höchst __ Haus der Bundesrepublik.
y) Ich möchte ein __ kleiner __ Fernseher!
z) Das größt __ Hotel ist nicht immer das schönst __ .

Teil (2)

a) Er spielt gern mit seinem klein __ Bruder.
b) Diese klein __ Autos brauchen nicht viel Benzin.
c) In dies __ klein __ Wohnung wohne ich gern.
d) Von dies __ neu __ Erfindung habe ich schon gehört.
e) Von dies __ alt __ Männern kann man viel lernen.
f) Mit dies __ schnelle __ Maschine möchte ich auch fliegen.
g) In dies __ langweilg __ Stadt habe ich mal gewohnt.
h) Mit dies __ alt __ Tante kann man sich nicht unterhalten.
i) Sagen Sie das mal dies __ jung __ Leuten!
j) Ich möchte in ein __ kleiner __ Stadt ziehen.
k) Ist das der Vater der zwei klein __ Junge __ ?
I) Natürlich sind d __ klein __ Autos sparsamer als die große __ .
m) Zeigen Sie doch mal Ihre alt __ Fotos.
n) Die schnell __ Motorräder sind viel zu gefährlich.
o) Wir sind auf sehr schlecht __ Straßen gefahren.
p) Eine billiger __ Wohnung finden Sie hier nicht.
q) Die schönst __ Wohnungen sind auch die teuerst __ .
r) Die billiger __ Zimmer sind natürlich auch klein __.
s) Wir haben kein __ interessanter __ Bücher.
t) Dies __ langweilig __ Filme sehe ich mir nicht an.
u) Nicht alle teure __ Hotels sind auch schön.
v) Die höchst __ Brücken Europas interessieren mich nicht.
w) Natürlich bin ich schon über die höchst __ Brücke gefahren.
x) In d __ modern __ Wolkenkratzern gibt es schön __ Wohnungen.
y) Das ist das Haus mein __ Freunde.
z) In mein __ Firma haben wir noch die alt __ Telefone.

4C

1. Möchten Sie der Architekt sein?

Möchten Sie der Architekt sein, der die höchste oder die längste Autobahnbrücke oder den höchsten Wolkenkratzer gebaut hat, oder der Konstrukteur, der für das schnellste Flugzeug, die modernste Bahn oder das größte Schiff verantwortlich ist? Hätten Sie nicht auch Angst, daß Sie irgendeinen

Fehler gemacht haben?
Natürlich, solche Bauwerke und solche Verkehrsmittel werden nicht von einem einzigen Menschen entwickelt. Wahrscheinlich braucht man für eine Brücke dieser Größe ein paar hundert Ingenieure und verwendet einen riesigen Computer, der ihnen rechnen hilft.
Trotzdem: Irgend jemand muß verantwortlich sein, und ich bin froh, daß ich es nicht bin.
Ich finde solche Bauwerke übrigens nicht nur praktisch, sondern auch schön.
Mit dem schnellsten Flugzeug der Welt bin ich noch nicht geflogen, eine Reise mit dem größten Schiff habe ich auch noch nicht gemacht, aber ich bin schon mit einem alten Volkswagen über die höchste Brücke Europas gefahren.

2. Die Geschichte beiden deutschen Staaten

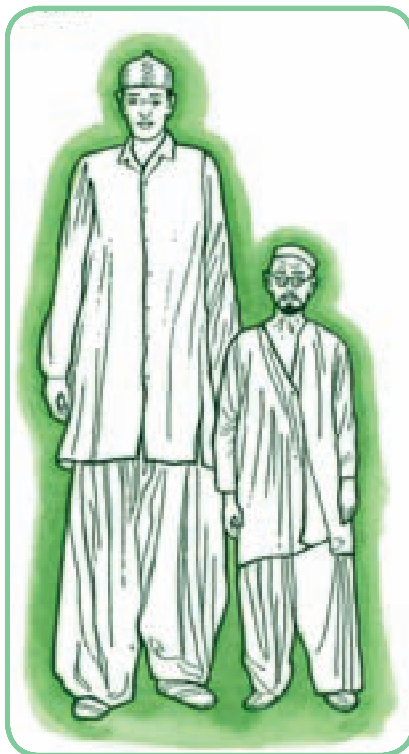
Die beiden deutschen Staaten - die Bundesrepublik Deutschland und die Deutsche Demokratische Republik - hatten bis 1945 eine gemeinsame Geschichte.
1945 war der Zweite Weltkrieg zu Ende. Es war auch das Ende Hitler-Deutschlands - einer schlimmen Zeit in der deutschen Geschichte.
Die Amerikaner, Engländer, Franzosen und Russen wollten nun ein neues, demokratisches Deutschland aufbauen. Aber wie sollte dieser Staat aussehen? Die Meinungen darüber waren sehr verschieden. So hatten wir seit 1949 bis 1990 zwei deutsche Staaten: die Bundesrepublik Deutschland im Westen und die Deutsche Demokratische Republik im Osten. Das frühere Deutschland war also geteilt.
Der westliche Teil stand politisch auf der Seite der USA, der östliche auf der Seite der Sowjetunion. Diese Teilung war für viele Deutsche ein Problem.

Tag der Einheit: 3. Oktober 1990

Deutschland ist 45 jahre nach dem Ende des Krieges und dem Untergang der Hitler - Diktatur wieder vereint. Die DDR hat fast 41 Jahre nach ihrer Gründung zu bestehen aufgehört; sie ist der Bundesrepublik Deutschland beigetreten. Die Deutschen leben wieder in einem Staat.

1. Der längste Mann der Welt

Muhammad Alam Channa ist zwei Meter und 51 Zentimeter groß. Aber der große Mann aus einem pakistanischen Bergdorf ist nicht glücklich, er möchte lieber kleiner sein.

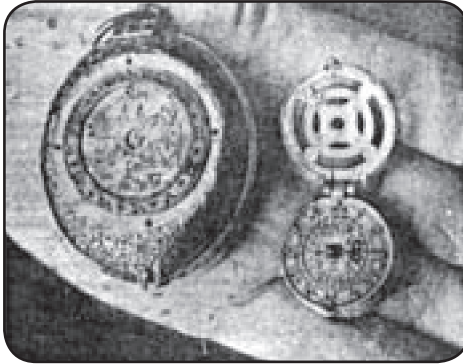


Der zehn Jahre alte Muhammad aus dem Bergdorf “Schwan”, rund 300 km nördlich von Karatschi, der größten Stadt in Pakistan, war ein ganz normaler Junge. Aber dann wurde er plötzlich immer größer, und schließlich war er der größte Mann der Welt: 2,51 m! Das hat ihn berühmt gemacht, sein Name steht im Guinness-Buch der Weltrekorde.

Aber Muhammad Alam Channa, von Beruf Aufseher in der Moschee seines Dorfes, möchte lieber kleiner sein, denn das Leben als größter Mann der Welt ist nicht leicht. Er ist 200 kg schwer und braucht Essen für drei Personen.

Die fertigen Kleider aus Textil-Geschäften passen ihm nicht, er braucht Spezialkleidung. Die Zimmer in normalen Häusern und Wohnungen sind für ihn zu klein; er schläft deshalb in zwei Doppelbetten, die zusammenstehen. Einmal in einem normalen Auto zu fahren bleibt für ihn ein Traum-kein Personenwagen paßt für seine Größe, er kann nur in Lastwagen und Bussen fahren. Und auf der Straße geht er auch nicht gerne spazieren, denn viele Leute bleiben stehen und schauen ihn an oder wollen ihn sogar anfassen. Das alles macht sein Leben schwierig. Deshalb hat Herr Channa nur einen Wunsch: er möchte so klein sein wie alle anderen Leute und so wie alle anderen Leute leben.

2. Rekorde, Rekorde!



Uhren aus der Zeit Peter Henleins

1 Der größte deutsche Dichter, Johann Wolfgang von Goethe (1749-1832), hatte auch einen der höchsten Intelligenzquotienten (I.Q.) über 200. (Das meinen amerikanische Wissenschaftler.)

2 Die längste Oper schrieb Richard Wagner (1813-1883).
Sie dauert (ohne Pausen) fünf Stunden, und fünfzehn Minuten: “Die Meistersinger von Nürnberg”.

3 Die meisten Meister- Titel im Skifahren gewann Christel Cranz (geb. 1914): Zwölf Titel und eine Olympische Goldmedaille.

4 Das größte Volksfest der Welt ist das Oktoberfest in München mit mehr als 6 Millionen Besuchern pro Jahr.

5 Eine der ältesten Taschenuhren der Welt, wahrscheinlich aber nicht die älteste, ist die von Peter Henlein in Nürnberg. Um 1510 baute er Uhren aus Eisen, die 40 Stunden liefen.

Test:

1. Ergänzen Sie die Lücken mit Artikeln und Endungen, wenn nöting.

Die Geschichte d __ Automobils ist auch die Geschichte d __ Treibstoffs. Am Anfang war der Dieseltreibstoff billig, aber die Dieselmotoren waren schwer __ als die Benzinmotoren. Dann wurden sie leicht __ und praktisch __, aber sie waren immer noch langsam __ als die Benzinmotoren.
Heute sind sie genau __ schnell wie die Benzinmotoren, aber der Treibstoff ist auch __ teuer __ das Benzin, manchmal sogar teur __ .
Die größt __ Wagen verbrauchen heute aber wenig __ Treibstoff __ früher die kleinst __ .
In d__ letzte __ Jahren wurden viele Elektrowagen konstruiert. Sie sind immer noch die langsamst __ und teuerst __.
Viele Leute haben ihre groß __ Wagen verkauft und fahren mit d __ Bus oder mit d __ Bahn. Das ist sehr viel billig __. Der größt __ Bus ist immer noch billig __ als ein klein __ Auto.
Wenn früher ein Kunde ein neu __ Auto kaufen wollte, fragte er: "Wie schnell ist dies __ Wagen?"
Heute fragt er:
"Haben Sie nicht ein __ kleiner __ , der wenig __ verbraucht?"



2. Fahrrad damals und Heute

Fahrradfahren war früher ein teurer Sport. Noch vor dem Ersten Weltkrieg kostete ein neues Fahrrad mehr als ein Arbeiter im Monat (1) .... Dann wurde das Fahrrad das billigste Verkehrsmittel der (2) .... Noch heute wird es in vielen Ländern (3) ...... , vor allem in den Ländern Nordeuropas. Die meisten Kinder haben schon im sechsten oder siebten (4) ...... ein kleines Fahrrad.

Fahrradfahren ist auch ein schöner Sport. Die Fahrräder sind heute leichter und schneller als (5) ......, sie sind auch billiger, aber für ein gutes (6) ...... muß man auch heute sehr viel Geld bezahlen.

Die meisten guten Rennfahrer kommen aus Frankreich, Italien und den Niederlanden. Auch aus Belgien kommen viele (7) ...... Rennfahrer.

1. a) verbrachte	b) arbeitete	c) verdiente
2. a) Land	b) Welt	c) Dorf
3. a) gebraucht	b) geflogen	c) braucht
4. a) alt	b) Lebensjahr	c) jung
5. a) heutzutage	b) dann	c) früher
6. a) Rennrad	b) Rad fahren	c) Sport
7. a) kannte	b) bekannte	c) teure

5A

Geschenke

1.(Hassan + Karim)

Δ Hast du auch gerne Geschenke?
o Na klar! Warum fragst du?
Δ Mein Großvater feiert bald seinen fünfundsiebzigsten Geburtstag. Ich bin eingeladen. Hast du eine Ahnung, was ich ihm schenken kann?
o Wünscht er sich irgendwas? Eine Stange Zigaretten oder Pfeifentabak?
Δ Nee, der raucht doch nicht. Und er wünscht sich, daß ich ein fleißiger, erfolgreicher Mensch werde.
o Da mußt du dich aber anstrengen!
Δ Das meine ich auch.
o Kann er noch lesen?
Δ Klar! Aber ich weiß nicht, was ihm gefällt.
o Bring ihm doch Blumen mit.
Δ Davon kriegt er genug von den Verwandten. Irgendein richtiges Geschenk, dachte ich. Er schenkt mir jedesmal auch etwas zum Geburtstag. Irgendwie



muß ich ihm auch was schenken.

o Weißt du was? Schenk ihm doch ein Bild! Das Foto, das ich neulich gemacht habe, du auf deinem Motorrad.

Δ Eine gute Idee!

2. Wie war's denn?

Am Freitagnachmittag treffen sich die beiden Freunde.

o Na, wie war's denn auf dem Geburtstag? Hast du dich sehr gelangweilt? Erzähl mal!



Δ Du, überhaupt nicht! Die Onkel und Tanten, na ja, du weißt selbst, wie das ist. Sagt die Tante Mina zu mir: "Ach, was bist du aber groß geworden!", und dann hat sie gerechnet und festgestellt, daß sie mich vor vier Jahren zum letzten Mal gesehen hat. Da war ich 13. Mit den anderen habe ich nur das Wichtigste gesprochen. Na, und dann haben sie sich über das Wetter unterhalten und über früher. Weißt du, "Früher war's im Sommer wärmer und im Winter kälter und alles war billiger und die Luft war sauberer und die jungen Leute höflicher" und so weiter. Alles so langweiliges Zeug. Wieso geben die sich nicht die Mühe, auch uns einmal zu verstehen?

Δ Und dein Opa, hat der sich über das Bild gefreut?

oUnd wie! Du, der Opa war klasse! Der hat sich gleich zu mir gesetzt,

und dann wollte er alles wissen über meine Maschine. Wie groß, wie schnell, wie teuer, wieviel PS, wieviel Sprit sie braucht und so. Und dann hat er von früher erzählt, wie er mit dem Motorrad von Tabris nach Maschhad gefahren ist. Da gab's überhaupt noch keine richtigen Straßen, und das Ding war jeden zweiten Tag kaputt. Aber er hat es immer selbst repariert. Also, der Opa, der gefällt mir. Den mußt du kennenlernen.

∆ Gern

Struktur:



1. Schenken macht Freude.

∆ – ***Was wünschen Sie sich zum Geburtstag?***

o – Einen schöneren Kassettenrecorder als den/den ich habe

– Eine ....

– Ein ....

o – eine ..... Stellung (neu, interessanter als die, die ich jetzt habe)

o – ein ..... Auto (ich habe im Augenblick keins)

o – Briefpapier (weißer, leichter als das, das ich jetzt habe)

Üben Sie jetzt mündlich.
Ihr Freund hat Geburtstag? Was schenken Sie ihm denn?
1. Ihre Freundin hat Geburtstag? Was schenken Sie .....?
2. Ihr Vater hat Geburtstag?
3. Ihre Schwester hat Geburtstag?
4. Ihre Freunde haben Hochzeit?
5. Ihr Bruder hat das Abitur gemacht?
6. Ihr Lehrer ist im Krankenhaus?

2. Ergänzen Sie bitte.



Das ist Opa auf seinem neu — Motorrad.
Damals war es das teuer — und schnell —.
Die Straßen waren damals viel schlecht—als heute.
Das Benzin war aber nicht billig —.



Das ist Hassan auf seiner
neu — Maschine. Sie ist klein — als Opas Motorrad,
sie ist auch billig —,
aber sie ist schnell —, und sie verbraucht auch nicht
..... .
Sie ist die schön —, sagt Hassan.

Grammatik 5B

a) Das Adjektiv ohne Artikel

Singular

	Mask.	Neutr.	Fem.
Nom. Akk. Dat.	deutscher Kuchen ohne schriftlichen Lebenslauf mit tabellarischem Lebenslauf	iranisches Brot ohne großes Interesse mit großem Interesse	französische Küche ohne größere Pause in englischer Sprache

Plural

Nom. + Akk.	berufstätige Menschen
Dat.	in großen Wohnsiedlungen

Das Adjektiv ohne Artikel

	m	f	n	Pl
Nom.	– er	– e	– es	– e
Akk.	– en	– e	– es	– e
Dat.	– em	– er	– em	– (e)n

Beispiel:

1. Persicher Tee schmeckt sehr gut.
2. Ich miete das Zimmer mit heißem Wasser.
3. Er trinkt immer warme Milch aber kaltes Wasser.
4. Saure Äpfel sind grün.
5. Mein Opa trinkt immer schwarzen Tee.

b) Was bedeutet«irgend-»?

Ich brauche irgendein Geschenk.
Weißt du irgendwas? (=irgend etwas)
Irgend jemand hat gestern angerufen. (Ich weiß nicht, wer.)
Irgendwann im Sommer besuche ich Sie.
Irgendwo finden wir schon eine Wohnung.
Irgendwoher habe ich gehört ..... (Ich weiß nicht mehr, wer mir das erzählt hat.)
Wohin fahren Sie im Urlaub?
Irgendwohin, wo die Sonne scheint.
Irgendeiner von meinen Freunden (=einer von meinen Freunden, ich weiß aber nicht, wer.)

irgend - bedeutet:
Man weiß nicht genau, wer (wann, was, wo, woher, wohin).

Übungen:

Sagen und schreiben Sie nach dem Beispiel:

1. Beispiel:

Was können wir ihm denn schenken?

Ich habe keine Ahnung.

Ich weiß nicht.

Woher soll ich denn wissen, was wir ihm schenken können!

Das weiß ich doch nicht, was wir ihm schenken können!

a) Was wünscht er sich denn?
b) Was wird denn heute abend gespielt?
c) Was für Bücher liest er denn?
d) Was für ein Foto meint sie denn?
e) Was für ein Motorrad hat er denn?
f) Was hat denn Onkel Fritz gesagt?
g) Warum ist er denn immer nach Maschhad gefahren?
h) Warum war's denn früher kälter?
i) Warum war denn früher alles besser?

2. Beispiel:

Sie hat mich vor sechzehn Jahren zum letzten Mal gesehen. Sie hat fesgestellt, daß sie mich vor sechzehn Jahren zum letzen Mal gesehen hat.

a) Er kennt nicht einmal seine Nachbarn.
b) Früher war das Benzin auch nicht billiger, sagt er.
c) Die Straßen sind heute auch nicht viel besser, meint sie.
d) Sie kennt den Film schon.
e) Sie hat den Roman schon gelesen.
f) Seine Maschine braucht weniger Sprit, sagt er.

3. Beispiel:

Was wünscht er sich denn? – Ich soll nicht soviel essen. Er wünscht sich, daß ich nicht soviel esse.

a) Du sollst nicht soviel rauchen.
b) Sie soll mehr lernen.
c) Wir sollen mehr Sport treiben.
d) Ihr sollt ihn öfter besuchen.
e) Du sollst nicht so oft in das Stadion (auf den Sportplatz) gehen.

4. Wie wird das Wetter?

Ich weiß nicht,

Ich möchte auch gern wissen, wie das wetter wird.

Kein Mensch weiß, wie das Wetter wird.

a) Wann wurde der Elektrowagen gebaut?

b) Wieviel kostet das Benzin nächste Woche?

c) Wo findet man eine Wohnung?

d) Was wollte denn der Herr?

e) Welche ist denn nun die höchste Brücke Europas?

5C

1. Die lieben Verwandten

“Du Papi”, fragt der kleine Thomas, “bin ich mit Onkel Hans verwandt?”

“Ja”, sagt sein Vater, “das ist doch mein Bruder.”

“Und Tante Petra?”

“Das ist seine Frau. Die Frau meines Bruders ist deine Tante. Und Onkel Martin ist der Mann meiner Schwester. Er ist auch dein Onkel.”

“Oh”, Sagt Thomas, “muß ich das alles behalten?”

“Nein, das brauchst du nicht zu behalten.”

“Bist du mit Mami verwandt?”

“Nein, Mami ist doch meine Frau.”

Thomas denkt nach.

“Komisch”, sagt er, “woher kennt ihr euch denn?”

2. Jugend und Erziehung
Einige Meinungen über Erziehung

Herr Riedel:

“Ich finde, Kinder müssen immer gehorsam sein. Ein gut erzogenes Kind gehorcht eben seinen Eltern. Nur so ist ein glückliches Familienleben möglich. Gehorsame Kinder haben auch in ihrem späteren Leben keine Probleme, sie können dann gut mit anderen Menschen zusammenarbeiten.”

Frau Lange:
“Meine Meinung ist: Die Eltern sollen auch auf ihr Kind hören. Sie müssen sich viel Zeit nehmen, mit ihm spielen und sich mit ihm beschäftigen. Natürlich können die Eltern auch einmal nein sagen, aber dann sollen sie mit ihren Kindern über diese Entscheidung diskutieren. Auch Eltern haben nicht immer recht.”

Herr Müller:
“Kinder brauchen ein freies Leben. Daran müssen sich die Eltern gewöhnen. Man darf seinen Kindern nichts verbieten, man muß ihnen alles geben und deshalb auf vieles verzichten. Nur freierzogene Kinder können später glückliche Erwachsene werden.”

Welche Meinung finden Sie richtig? Wie ist Erziehung in Ihrem Land?
Was heißt “selbständig”?

In manchen Familien sind der Vater und die Mutter berufstätig. Deshalb sehen viele Kinder und Jugendliche ihre Eltern tagsüber nicht. Vormittags gehen sie in die Schule und nachmittags sind sie allein zu Hause oder treffen sich mit ihren Freunden.
Im Alter von 16 bis 20 Jahren verdienen viele Jugendliche schon ihr eigenes Geld. Manche wollen dann weg von ihren Eltern.
Sie wollen in eine eigene Wohnung ziehen und selbständig leben. Aber damit sind manche Eltern nicht einverstanden.

Wie denken Sie darüber? Ist das in Ihrem Land anders?

Das Wetter *5D*

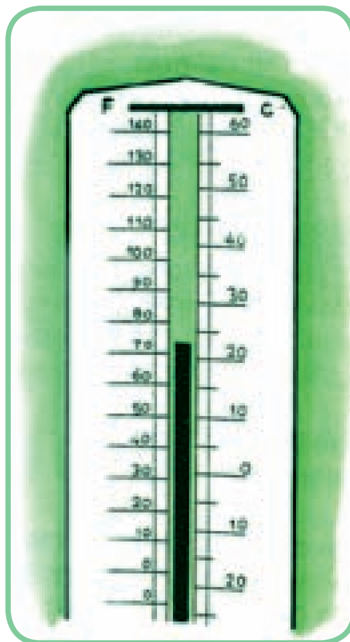
1.

Wie	war ist wird	das Wetter	letztes Jahr, letzten Monat, letzte Woche, vorgestern, gestern? heute? morgen, übermorgen, nächste Woche, nächsten Monat, nächstes Jahr?

2. Es war - ist - wird
gut,schön, schlecht, warm, kalt
genauso gut, schlecht, kalt wie ...
besser, schöner, schlechter, wärmer, kälter als ...

3. Was für Wetter hattet ihr in den Ferien?

Das beste (...) seit Jahren.



4. War es früher im Sommer ...?

War es im Winter ...?

5. Wie warm (kalt) ist es?

Es sind ... Grad.

6. Wieviel Grad haben wir?

Wir haben ... Grad Kälte
(unter Null).
Wir haben ... Grad Wärme
(über Null).

Im Gespräch

Wiederholen Sie die Wörter und Wendungen.

Finden Sie den/das/die...	interessant?	Ja, sehr!
	langweilig?	Nein, nicht besonders.
	schön?	
Wie finden Sie...?		Sehr gut!
Wie gefällt Ihnen...?		(Wirklich/Ganz) prima/toll!
		Klasse!
		Natürlich gut!
		Na ja, nicht schlecht.
		Gar nicht schlecht.
		Überhaupt nicht.

Ich mag sie/ihn (wirklich/sehr). Ich habe sie/ihn (wirklich/sehr) gern. Die mag ich./Die mag ich nicht. Ich finde sie/ihn sympathisch. nett. interessant. Die finde ich sympathisch/nicht besonders sympathisch/überhaupt nicht sympathisch.	Ja, das finde ich auch./ Nein, das finde ich nicht.

Wie finden Sie diese Wohnung?	Die ist zu groß/zu klein/zu teuer/zu billig. Die gefällt mir nicht.
	Das ist aber viel/wenig!
Sie kostet ...	Das ist zuviel/ zuwenig.

Ich möchte lieber am liebsten	eine Zweizimmerwohnung.
Eine Zweizimmerwohnung	ist mir lieber. ist besser.

Test: Ergänzen Sie den Text.

Eine berühmte Familie

Johann Sebastian Bach war d – Sohn ein – Musiker –. Auch d – Vater sein – Vater – war Musiker. Johann Sebastian hatte viele berühmt – Söhne. Der ältest – Sohn d – Komponist – hieß Friedemann. Sein jünger – Bruder Carl Philipp Emanuel ist allerdings bekannt – als er. Drei Söhne d – alt – Bach heißen nach d – Städten, wo sie gewohnt haben. Berlin und Mailand waren damals schon sehr groß – Städte, Bückeburg ist heute noch ein – kleiner – Stadt, aber ein – sehr schön –.

In d – Stadt, in d – Johann Sebastian lebte, gab es später noch viel – berühmt – Musiker, zum Beispiel Felix Mendelssohn Bartholdy und Robert Schumann. Robert Schumann heiratete die Tochter ein – bekannt – Klavierlehrer –, die dann als Pianistin berühmt wurde. Clara Schumann war die best – Pianistin ihr – Zeit. Sie spielte oft mit ein – jung – Musiker zusammen, der auch ein berühmt – Komponist wurde. Er hieß Johannes Brahms. Wie viel – ander – Komponisten zog auch Brahms später in ein – interessanter – Stadt: nach Wien.

LISTE DER VERBEN AUS BUCH 1,2 UND 3

Infinitiv	3. Person Präsens	Imperfekt	Perfekt
ab/nehmen	nimmt ... ab	nahm... ab	abgenommen
an/fangen	fängt ... an	fing ... an	angefangen
an/kommen	kommt ... an	kam ... an	ist angekommen
an/steigen	steigt ... an	stieg ... an	ist angestiegen
an/treiben	treibt ... an	trieb ... an	angetrieben
auf/nehmen	nimmt ... auf	nahm ... auf	aufgenommen
auf/stehen	steht ... auf	stand ... auf	ist aufgestanden
beginnen	beginnt	begann	begonnen
behalten	behält	behielt	behalten
Bekanntschaft schließen	schließt ... Bekanntschaft	schloß ... Bekanntschaft	Bekanntschaft geschlossen
bekommen	bekommt	bekam	bekommen
berg/steigen	steigt ... berg	stieg ... berg	ist berggestiegen
beschäftigen	beschäftigt	beschäftigte	beschäftigt
betragen	beträgt	betrug	betragen
betreffen	betrifft	betraf	betroffen
sich bewerben	bewirbt sich	bewarb sich	sich beworben
bleiben	bleibt	blieb	ist geblieben
beraten	brät	briet	gebraten

Infinitiv	3. Person Präsens	Imperfekt	Perfekt
brechen	bricht	brach	gebrochen
bringen	bringt	brachte	gebracht
davon/laufen	läuft ... davon	lief ... davon	ist davongelaufen
denken	denkt	dachte	gedacht
drucken	druckt	druckte	gedruckt
durch/fallen	fällt ...durch	fiel .... durch	ist durchgefallen
dürfen	darf	durfte	gedurft
ein/brechen	bricht ... ein	brach ... ein	eingebrochen
ein/laden	lädt ... ein	lud ... ein	eingeladen
enthalten	enthält	enthielt	enthalten
erfinden	erfindet	erfand	erfunden
ergreifen	ergreift	ergriff	ergriffen
erhalten	erhält	erhielt	erhalten
erkennen	erkennt	erkannte	erkannt
erscheinen	erscheint	erschien	ist erschienen
sich erweisen	erweist sich	erwies sich	sich erwiesen
essen	ißt	aß	gegessen

Infinitiv	3. Person Präsens	Imperfekt	Perfekt
fahren	fährt	fuhr	ist gefahren
fallen	fällt	fiel	ist gefallen
fern/sehen	sieht ... fern	sah ... fern	ferngesehen
fest/nehmen	nimmt ... fest	nahm ... fest	festgenommen
finden	findet	fand	gefunden
fliegen	fliegt	flog	ist geflogen
fließen	fließt	floß	ist geflossen
geben	gibt	gab	gegeben
gefallen	gefällt	gefiel	gefallen
gehen	geht	ging	ist gegangen
gewinnen	gewinnt	gewann	gewonnen
haben	hat	hatte	gehabt
halten	hält	hielt	gehalten
heißen	heißt	hieß	geheißen
helfen	hilft	half	geholfen
heraus/finden	findet ... heraus	fand ... heraus	herausgefunden
hin/gehen	geht ... hin	ging ... hin	ist hingegangen
Kennen	kennt	kannte	gekannt
kommen	kommt	kam	ist gekommen
können	kann	konnte	gekonnt

Infinitiv	3. Person Präsens	Imperfekt	Perfekt
lassen	läßt	ließ	gelassen
lesen	liest	las	gelesen
liegen	liegt	lag	gelegen
müssen	muß	mußte	gemußt
nach/denken	denkt ... nach	dachte ... nach	nachgedacht
nach/lesen	liest ... nach	las ... nach	nachgelesen
nach/sehen	sieht ... nach	sah ... nach	nachgesehen
nehmen	nimmt	nahm	mitgenommen
nennen	nennt	nannte	genannt
nieder/schießen	schießt ... nieder	schoß ... nieder	niedergeschossen
reißen	reißt	riß	gerissen
rufen	ruft	rief	gerufen
scheinen	scheint	schien	geschienen
Schi laufen	läuft ... Schi	lief ... Schi	ist Schi gelaufen
schlafen	schläft	schlief	geschlafen
schließen	schließt	schloß	geschlossen
schmecken	schmeckt	schmeckte	geschmeckt
schreiben	schreibt	schrieb	geschrieben

Infinitiv	3. Person Präsens	Imperfekt	Perfekt
schwimmen	schwimmt	schwamm	geschwommen
sein	ist	war	ist gewesen
sehen	sieht	sah	gesehen
senden	sendet	sandte	gesandt
spazieren/gehen	geht ... spazieren	ging ... spazieren	ist spazierengegangen
sprechen	spricht	sprach	gesprochen
stehen	steht	stand	gestanden
stehen/bleiben	bleibt .... stehen	blieb ... stehen	ist stehengeblieben
stehlen	stiehlt	stahl	gestohlen
sterben	stirbt	starb	ist gestorben
stoppen	stoppt	stoppte	gestoppt
teil/nehmen	nimmt ... teil	nahm ... teil	teilgenommen
tragen	trägt	trug	getragen
treffen	trifft	traf	getroffen
sich treffen	trifft sich	traf sich	sich getroffen
trinken	trinkt	trank	getrunken
um/ziehen	zieht ... um	zog ... um	ist umgezogen
sich unterhalten	unterhält sich	unterhielt sich	sich unterhalten
unterscheiden	unterscheidet	unterschied	unterschieden

Infinitiv	3. Person Präsens	Imperfekt	Perfekt
verbinden	verbindet	verband	verbunden
vergessen	vergißt	vergaß	vergessen
verbieten	verbietet	verbat	verboten
verbringen	verbringt	verbrachte	verbracht
verdienen	verdient	verdiente	verdient
verlassen	verläßt	verließ	verlassen
verlieren	verliert	verlor	verloren
verstehen	versteht	verstand	verstanden
vor/schlagen	schlägt ... vor	schlug ... vor	vorgeschlagen
waschen	wäscht	wusch	gewaschen
werden	wird	wurde	ist geworden
werfen	wirft	warf	geworfen
wissen	weiß	wußte	gewußt
zerschneiden	zerschneidet	zerschnitt	zerschnitten
ziehen	zieht	zog	gezogen
zurück/fahren	fährt ... zurück	fuhr ... zurück	ist zurückgefahren
zurück/geben	gibt ... zurück	gab ... zurück	zurückgegeben
zusammen/stehen	steht ... zusammen	stand ... zusammen	zusammengestanden

Wörterverzeichnis

A

abends (1Üb.)	شب هنگام، شب‌ها
aber:	
Die Brücke ist aber hoch! (4Üb.)	این پل چقدر مرتفع است!
Der Wagen ist aber langsam! (4Üb.)	این ماشین چقدر یواش میره!
Das ist aber viel/wenig! (5lG.)	این که خیلی زیاد / کم است!
Das Abitur, – e(1c3)	دیپلم
der Abiturient, –en (1D1)	دیپلمه
absolut (4A2)	مطلق
der Absolvent, –en (4Ü)	فارغ التحصیل
Achtung! (2A2)	توجه!
ähnlich (2A3)	شبیه، مشابه
allerdings (2D1)	البته
und alles das (2C)	و از این قبیل
allein (2B)	تنها،فقط،به تنهایی
Alles so langweiliges Zeug. (5A2)	همه‌اش چیزهای خسته کننده.
als (2A1)	به عنوان، به منزله
als Alter (5C2)	سن و سال، عمر
älter (4B)	پیرتر، قدیمی تر، کهنه تر
im Alter von ... (5C2)	در سنّ
ältest – (4D2)	پیرترین، قدیمی ترین، کهنه ترین
am 18.April (1C1)	روز هجدهم آوریل
der Amerikaner, – (4C2)	(فرد) آمریکایی
amerikanisch (4D2)	آمریکایی

der Anfang, –¨e (1lG.)	شروع، آغاز
am Anfang (2D1)	در آغاز
an/fangen+mit(2D)	شروع شدن(با)
an/fassen (4D1)	دست زدن به کسی
angenehm (1C1)	مطبوع، دلپذیر، خوشایند
die Angst,–¨e (4C1)	ترس، واهمه
Angst haben +vor (D) (4C1)	از چیزی ترسیدن
sich an/hören (2C)	به گوش رسیدن
an/kommen+auf(A) 3A2	بستگی داشته (به)
anonym (3A)	بی نام و نشان، ناشناخته، منزوی
an/schauen (4C1)	تماشاکردن، نگریستن
sich etwas(A) an/sehen(2B)	چیزی را تماشا / نگاه کردن
sich an/strengen(5A1)	تلاش / سعی کردن
anstrengend (1A)	طاقت فرسا
die Anzeige, –n(1Üb.)	آگهی
Arbeitsplatz, –¨e(1C1)	محل کار، شغل، کار
der Architekt, –en (1Üb.)	معمار، آرشیتکت
die Architektin, –nen(2A1)	معمار (زن)
der Arm,–e (2B.)	بازو، دست
ich habe mir den Arm gebrochen. (2B.)	دستم شکسته است
die Arzthelferin, –nen (1Üb.)	پزشکیار (زن)
die Ärztin, –nen (1Üb.)	پزشک (زن)
attributiv (4B)	وصفی
auf/bauen (4C2)	بازسازی کردن، دوباره ساختن
auf dem Gymnasium (2D1)	در دبیرستان
auf dem Lande (2Üb.)	در روستا
der Aufenthalt, –e (1C1)	اقامت، توقف
auf/hören (4C2)	قطع شدن، پایان یافتن

im Augenblick (5A)	درحال حاضر
aus/bilden (4B)	تعلیم دادن
der Ausbilder, –(2Üb.)	مربّی، تعلیم دهنده
die Ausbildung, –en (1A)	آموزش، تعلیم
der Ausflug, –¨e (2A)	پیک نیک، گردش،سفر
die Auskunft,¨–e (3A)	اطّلاع، اطّلاعات
das Ausland (1C1)	خارج (از کشور)
der Auslandsaufenthalt, –e (1C1)	اقامت در خارج از کشور
ausreichend (1D)	کافی
außerhalb + Gen. (1B)	بیرون، خارج از
die Ausstellung, –en (4B)	نمایشگاه
aus/ suchen (1D2)	انتخاب‌کردن، برگزیدن
die Autobahn, –en (4C1)	اتوبان، بزرگراه
die Autobahnbrücke, –n (4C1)	پل اتوبان
das Automobil, –e (4A)	اتومبیل
die Automobilfirma, firmen (4Üb.)	شرکت اتومبیل‌سازی
die Autowerkstatt, ¨–en (1A)	کارگاه / تعمیرگاه اتومبیل



die Bank,–en (3A)	بانک
der Bankangestellte, –n (3A)	کارمند بانک
basteln (3A)	کاردستی‌درست‌کردن
bauen (4Üb)	ساختن ــ بناکردن
das Bauwerk, –e (4C1)	عمارت، بنا
beantworten (2Te.)	پاسخ‌دادن
bedeuten (5B)	معنی / اهمیت‌داشتن
Was bedeutet ...? (5B)	معنی ... چیست؟
befördern (4A4)	جابه‌جاکردن، حمل و نقل کردن

befragt (2A)	مورد سؤال واقع‌شده
die Befragung, –en (2A)	نظرخواهی
befriedigend (1D)	رضایت‌بخش
die Begründung, –en (2A)	استدلال، دلیل
etwas (A) behalten (5C1)	در حافظه نگه‌داشتن، فراموش‌نکردن / به‌خاطرسپردن
bei / treten (4C2)	ملحق‌شدن، پیوستن، عضو شدن
bekannt (2A)	معروف، آشنا، این‌جا : مشخص
der Bekannte, –n (3A)	(فرد) آشنا، دوست
die Bekanntschaft, –en (3A)	آشنایی
jmds. Bekanntschaft machen (3A)	با کسی آشناشدن
Bekanntschaft schließen mit (3A) bekommen:	آشناشدن (با)
ein Taxi bekommen (4Üb.)	تاکسی گرفتن
Bitte, wo bekomme ich schnell ein Taxi?	کجا می‌شه زود یک تاکسی گیر آورد؟
sich bemühen (1A)	کوشیدن، سعی کردن
das Benzin (4A4)	بنزین
der Benzinmotor, –en (4Te.)	موتور بنزینی
das Bergdorf, ¨–er (4D1)	دهکده‌ی کوهستانی
der Bericht, –e (1Üb.)	گزارش
berichten (2B)	گزارش‌دادن
das Berufsleben (2A)	زندگی شغلی / کاری
im Berufsleben stehen (2A)	سرکاربودن، شاغل‌بودن
die Berufsschule, –n (1D)	مدرسه‌ی فنی‌وحرفه‌ای
der Berufswunsch,¨–e(2A)	شغل دلخواه
die Berufserfahrung, –en (1C)	تجربه‌ی شغلی
berühmt (5Te.)	مشهور، سرشناس
beschäftigen (4B)	مشغول‌کاری بودن،سرگرم‌کاری بودن
besser (4B)	بهتر
Mein Bruder hat es besser. (1A)	برادرم وضعش بهتر است.
best – (4B)	بهترین
bestehen:	وجودداشتن
Die DDR hat zu bestehen aufgehört. (4C2)	جمهوری دمکراتیک آلمان از هم فرو پاشید.
bestimmen (1A)	تعیین / مشخص‌کردن
besuchen:	

einen Club besuchen (3lG.)	به باشگاه‌رفتن
sich gegenseitig besuchen (3A)	یکدیگر را ملاقات‌کردن
der Besucher, – (4C2)	بازدیدکننده، مهمان
betragen (2D)	بالغ‌شدن بر
betreffen (2B)	مربوط‌شدن
sich bewerben um (A) (1A)	تقاضانمودن برای چیزی، طالب چیزی‌بودن
die Bewerbung, –en (1Üb.)	تقاضا، تقاضای کار
das Bewerbungsschreiben, – (1Üb.)	درخواست کتبی، تقاضانامه (برای کار)
bezahlen (4Te.)	پرداخت‌کردن (پول)
beziehungsweise (bzw.) (2A)	یا، و یا، به عبارت دیگر
das Bild, –er (5A1)	تصویر، شکل، عکس، تابلو
billiger (4A4)	ارزانتر
billiger als ..... (4A4)	ارزانتر از ...
billigst –(4A4)	ارزانترین
die Bindung, –en (4C2)	ارتباط، پیوستگی
Bindung an etwas (4C2)	بستگی به چیزی
bisher (2D)	تا به‌حال، تاکنون
bitte:	
Bitte, wie komme ich schnell zum Bahnhof? (4Üb.)	ببخشید، چگونه می‌شود زود به راه‌آهن رسید؟
brechen (4A2)	شکستن
den Rekord brechen (4A2)	رکورد را شکستن
das Briefpapier, –e (5A)	کاغذ نامه
der Briefträger, –(2Üb.)	نامه‌رسان (مرد)
die Briefträgerin, –nen (2C)	نامه‌رسان (زن)
die Brücke, –n (4Üb.)	پُل
der Bruder, ¨–(4Üb.)	برادر
die Bundespost (2C)	پست فدرال
die Bundesrepublik Deutschland (BRD) (4C2)	جمهوری فدرال آلمان
der Bürokaufmann, –kaufleute (1A)	مدیر فروش



die Chefsekretärin, –en(1C1)	منشی رئیس
der Chemiker, –(2A)	شیمی‌دان
die Chemikerin, –nen (2A)	شیمی‌دان (زن)
der Club, –s (3A)	باشگاه
der Computer, –(4Üb.)	کامپیوتر
ccm (der Cubiccentimeter) (4A1)	علامت اختصاری سانتی‌مترمکعب





damals (4.te)	در آن زمان، آن وقت‌ها
die Dame, –n(1C2)	خانم، بانو
danach (1A)	پس از آن، سپس
darüber (2D)	در این مورد، در این باره
darum (2C)	به این دلیل، از این جهت
daß (Konj.) (2C)	تا، که
dasselbe Problem (3B)	همان مسأله
dazu/gehören (2C)	متعلق به چیزی / گروهی‌بودن
demokratisch (4C2)	دموکراتیک، مردم سالارانه (صفت)
die Demoskopie (2A)	نظرخواهی عمومی، بررسی عقیده و نظر
denen (2B)	ضمیر موصولی جمع در حالت مفعول با واسطه
denselben Beruf haben (3A)	همان شغل را داشتن
mit denselben ... (3A)	با همان ...
deren (2B.)	ضمیر نسبی (عطفی) حالت اضافه ملکی برای اسامی مؤنث و جمع (مال او، مال ایشان)
derselbe Freund (3B)	همان دوست
mit derselben ... (3B)	با همان ...
dessen (2B)	ضمیر عطفی حالت اضافه ملکی برای اسامی مذکر و خنثی (مال او، که مال او)

das Deutsch (1C)	زبان آلمانی
d.h. (das heißt) (2D)	یعنی
der Dichter, – (4B)	شاعر، نویسنده، سخنور
der Diesel (4A3)	دیزل (موتور)
dieselbe Ausbildung (3A)	همان آموزش
dieselben Hobbys (3A)	همان سرگرمی‌ها
der Dieselmotor, –en (4A1)	موتور دیزلی
der Dieseltreibstoff, –e (4Te.)	سوخت موتور دیزل
die Diktatur, –en (4C2)	دیکتاتور، حاکم مطلق و مستبد
das Ding, -e (5A2)	چیز، شیء
doch:	
Gehen wir doch ins Kino! (3IG.)	بریم سینما دیگه!
Das weiß ich doch nicht, ... (5Üb.)	من چه می‌دانم، ...
das Dolmetscherdiplom (1A)	دیپلم مترجمی (شفاهی)
die Dolmetscherin, –nen (1A)	مترجم، دیلماج (زن)
das Doppelbett, en (4D1)	تختخواب دونفره
das Dorf, ¨–er (4Test2)	ده،دهکده، روستا
dreirädrig (4A1)	سه چرخ (صفت)
dreitausend (2D)	سه‌هزار
drucken(4B)	چاپ‌کردن
das Düsentriebwerk, –e (4A2)	موتور جِت





Ist es Ihnen egal? (3A)	آیا برای شما علی‌السویه است / فرقی نمی‌کند؟
eigen –(2D)	خودی، مال خود
ein/bauen (4A1)	جاسازی‌کردن، تعبیه‌کردن
die Einheit, –en (4C2)	واحد
einig –(2Üb.)	چند تا ...، چند ...
beim Einkaufen (3A)	هنگام خریدکردن
ein/laden (5A1)	دعوت‌کردن
Ich bin eingeladen. (5A1)	من دعوت شده‌ام.

die Einladung, –en (3A)	دعوت
nicht einmal (5Üb.)	حتی ... نـ ...
einverstanden sein (mit)	موافق بودن با
das Eisen, –(4D2)	آهن
der Elektriker, –(1A)	تکنسین برق
die Elektrofirma, –firmen (2D)	شرکت خدمات برقی
der Elektroinstallateur, –en (2A)	نصب‌کننده دستگاه‌های برقی
der Elektromotor, –en (4A1)	موتور الکتریکی، الکتروموتور
der Elektrowagen, –(4B)	اتومبیل برقی
das Ende, –n (4C2)	پایان، انتها
der Engländer, –(4C2)	(فرد) انگلیسی
in englischer Sprache (5B)	به زبان انگلیسی
Entschuldigen Sie! (2D)	ببخشید!، معذرت می‌خواهم!
die Entschuldigung, –en (5C2)	پوزش، عذرخواهی
die Entwicklung, –en (4A2)	توسعه، ترقی
erfinden (4A1)	اختراع کردن
die Erfindung, –en (4B)	اختراع
erfolgreich (5A1)	موفّق، موفّقیت‌آمیز
das Ergebnis, –se (2A)	نتیجه
Erzähl mal! (5A2)	تعریف کن ببینم!
die Erziehungsfragen (Pl.) (3B)	مسائل تربیتی
erzogen (5C2)	تربیت‌شده
Es kommt darauf an, ... (3A)	بستگی دارد به این‌که ...
essen:	
Wo kann man hier gut essen? (4Üb.)	این اطراف کجا غذاش خوبه؟
Europa (4Te.)	اروپا



das Fach, ¨–er (2D)	رشته (تحصیلی)، حرفه‌ی تخصّصی
der Facharbeiter, –(3A)	کارگر متخصّص در رشته فنی تخصّصی خود

das Fachgymnasium, Fachgymnasien (1D)	دبیرستان فنّی
die Fachhochschule, –n (1D)	مدرسه‌ی عالی فنّی
die Fachoberschule, –n (1D)	مدرسه‌ی فنی (در سطح دبیرستان)
die Fachrichtung, –en (1C)	رشته‌ی تحصیلی
die Fachschule, –n (1D)	مدرسه‌ی فنّی
das Fahrrad,¨–er (4Te.)	دوچرخه
das Fahrradfahren (4Te.)	دوچرخه‌سواری
falsch (1D)	غلط، اشتباه
das Familienleben (1A)	زندگی خانوادگی
fast (3A)	تقریباً، در حدود
der Fehler, – (4B)	اشتباه، خطا، غلط
feiern (5A1)	جشن گرفتن
den Geburtstag feiern (5A1)	روز تولد را جشن گرفتن
die Fernmeldetechnik, –(2C)	رشته‌ی مخابرات
die Fernmeldetechnikerin, –nen (2C)	تکنسین دستگاه‌های مخابراتی (زن)
der Fernschreiber, –(2C)	دستگاه تلکس
der Fernsehmechaniker, –(2A)	تعمیرکار تلویزیون
das Fertighaus,¨–er (1Te.)	خانه‌ی پیش‌ساخته
fest/stellen (5A2)	تعیین / مشخص کردن
Wie finden Sie den Chef? (1Üb.)	نظر شما درباره‌ی رئیس چیست؟
fleißig (5A1)	زرنگ، کوشا
die Flöte, –n (1Üb.)	فلوت
der Fragesatz, ¨–e (2B)	جمله‌ی سؤالی
der Franzose, –n (4C2)	(فرد) فرانسوی
der Frauenberuf, –e (2Üb.)	شغل خانم‌ها
die Fremdsprachensekretärin, –nen (1Üb.)	منشی (زن) مسلّط به زبان خارجی
die Freude, –n (2A)	خوشحالی
jmdm. eine Freude machen (2A)	کسی را خوشحال کردن
die Freundschaft, –en (3Te.)	دوستی
die Friseuse, –n (1A)	آرایشگر (زن)

fünfmal (1Üb.)	پنج‌بار
fünfundsiebzigst –(5A1)	هفتاد و پنجمین
der Funk (2C)	بی‌سیم





gar (5IG.)	اصلاً
der Geburtsort, –e (1C2)	محل تولّد
der Geburtstag, –e (1C2)	روز تولّد
gefährlich (2B)	خطرناک
gefallen + Dat. (5C2)	مورد پسند واقع‌شدن، خوشایند بودن
gegenseitig (3A)	متقابلاً، متقابل
gehen:	
in alle Welt gehen (4C2)	به تمام نقاط دنیا رفتن / صادر شدن
zur Schule gehen (2B)	به مدرسه‌رفتن
gehorchen + (D) (5C2)	اطاعت / حرف‌گوش‌کردن
gehorsam (5C2)	حرف‌شنو، سربه‌راه، مطیع
die Gelegenheit, –en (3A)	فرصت، موقعیت
gemeinsam (4C2)	مشترک
genau (5B)	دقیقاً، درست
genauso alt wie ... (3A)	هم‌سنّ ....
gern haben (5IG.)	دوست‌داشتن
Hast du auch gerne Geschenke? (5A1)	تو هم هدیه دوست داری؟
ein Geschäft gründen (2D)	مغازه‌بازکردن
das Geschenk, –e (5A1)	هدیه
der Geschichtsunterricht (1Üb.)	درس تاریخ
die Geschwindigkeit, –en (4A2)	سرعت، شتاب
der Geschwindigkeitsrekord, –e (4A2)	رکورد سرعت
die Gesellenprüfung, –en (2D)	امتحان پایان دوره‌ی کارآموزی
die Geselligkeit, –en (3A2)	مجلس‌آرایی، خوش‌مشربی

gewinnen (4D2)	برنده‌شدن
sich gewöhnen an ... (5C2)	عادت‌کردن به ...
glücklich (4D1)	خوشبخت، خوش‌شانس
das Gold (4D2)	طلا
die Goldmedaille, –n (4D2)	مدالِ طلا
der Grad, –e (5D)	درجه، میزان
groß:	
Er ist zwei Meter groß. (4D1)	او دو متر قد دارد.
Was bist du aber groß gewordenl! (5A2)	چه بزرگ شدی!
größer (3A)	بزرگ‌تر
größt –(4D1)	بزرگ‌ترین
der Großvater, ¨–(1A)	پدربزرگ
die Gründung, –en (4C2)	تأسیس، پی‌ریزی، پایه و اساس
das Guinness – Buch der Weltrekorde (4D1)	کتاب رکوردهای جهانی (مبتکر آن شخصی به نام گینس بوده است.)
aufs Gymnasium gehen (2D)	به دبیرستان رفتن
jmdn. aufs Gymnasium schicken (2D)	کسی را به دبیرستان فرستادن





der Hamburger Hafen (4C2)	بندر هامبورگ
die Hand, ¨–e (1A)	دست
häufig (2A)	اغلب
das Hauptfach, ¨–er (2D)	رشته‌ی اصلی
die Hauptsache, –n (2C)	مسأله‌ی اصلی
der Hauptschulabschluß (1D1)	پایان نامه‌ی / گواهی‌نامه‌ی پایان دوره‌ی Hauptschule
die Hauptschule, –n (1D)	مرحله‌ی بعد از Grundschule
die Hausaufgabe, –n (1Üb.)	تکلیف برای منزل
die Hausfrau, –en (1A3)	خانم خانه‌دار
heiraten + (A) (5Te.)	با کسی ازدواج کردن

heraus /finden (2A)	پی‌بردن، کشف‌کردن
der Herr, –en (1C2)	آقا،جناب آقا
heutzutage	امروزه
das Hitler – Deutschland (4C2)	آلمان در زمان هیتلر
die Hit – Liste, –n (2A)	فهرست محبوب‌ترین‌ها
das Hobby, –s (1C1)	سرگرمی
die Hochschule, –n (1D)	مدرسه‌ی عالی ــ دانشگاه
der Hochschulprofessor, –en (2A)	استاد دانشگاه / مدرسه‌ی عالی
die Hochschulprofessorin, –nen (2A)	استاد (زن) دانشگاه / مدرسه‌ی عالی
höchst – (4B)	بلندترین ــ بیش‌ترین
die Höchstgeschwindigkeit, –en (4B)	حداکثر سرعت
die Hochzeit, –en (5A)	عروسی
höflich (5A2)	مؤدب، با ادب
höflicher (5A2)	مؤدب‌تر
höher (4B)	بلندتر ــ بیش‌تر
das Hotelzimmer, –(1Üb.)	اتاق در هتل
der Hubraum, ¨–e(4A1)	حجم سیلندر
hübsch (3Üb.)	زیبا، قشنگ (صفت)

I



die Idee, –n	فکر، ایده
eine gute Idee (5A1)	یک فکر خوب
Indien (1A)	هندوستان
indirekt (2B)	غیرمستقیم
die Industrie, –n (4C2)	صنعت
die Industrienation, –en (4C2)	جامعه‌ی صنعتی
der Infinitivsatz, ¨–e(3B)	جمله‌ی مصدری
der Ingenieur, –e (2A)	مهندس
innerhalb + Gen. (1B)	در ظرفِ ــ در درون

innerhalb dieser Fachrichtung (1B)	در این رشته
ins Ausland reisen (3Üb.)	به خارج مسافرت‌کردن
das Institut, e (2A)	مؤسسه، انجمن، انستیتو
die Intelligenz (4D2)	هوش
der Intelligenzquotient, –en (IQ) (4D2)	ضریب بهره‌ی هوشی
interessanter (4Gr)	جالب‌تر
das Interesse, –n (5B)	علاقه، توجه
sich interessieren für (A)	علاقه‌مند بودن به ...
Interessierst du dich dafür? (2C)	آیا به این کارها علاقه داری؟
interviewen (2Üb.)	با کسی مصاحبه‌کردن
iranisch (5B)	ایرانی (صفت)
irgendeiner von meinen Freunden (5B)	یکی از دوستان من
irgendein richtiges Geschenk (5A1)	یک هدیه درست و حسابی
irgend jemand (5B)	یک کسی
irgendwann (5B)	یک وقتی
irgendwas (5A1)	یک چیزی
irgendwie (5A1)	یک طوری، یک جوری
irgendwo (5B)	یک جایی
irgendwoher (5B)	از یک جایی
irgendwohin (5B)	به یک جایی
Italien (4C2)	ایتالیا





im Jahre ... (2A)	در سال ...
jedenfalls (2C)	به هر حال، مسلم است که
jeder (3Te.)	هرکس (ضمیر نامعین)
der Journalist, –en (2A)	روزنامه‌نگار
die Journalistin, –nen (2A)	روزنامه‌نگار (زن)
die Jugend (5C2)	نسل جوان ــ دوران جوانی

der/die Jugendliche, –n(2B)	پسر / دختر (جوان)
jünger (3A)	جوان‌تر
jüngst – (4B)	جوان‌ترین

K



der Kalbsbraten (4Üb.)	گوشت گوساله‌ی سرخ‌کرده
die Kälte (5D)	سرما
kälter (5A2)	سردتر
kaputt (5A2)	خراب
Karatschi (4D1)	کراچی
die Kassette, –n (5A)	نوار کاست
der Kassettenrecorder, –(5A)	دستگاه ضبط‌صوت (مخصوص نوار کاست)
die Kassiererin, –nen (1A3)	صندوقدار (زن)
kennen:	
Kennste den Mahmud? = Kennst du den Mahmud? (3D1)	محمود را می‌شناسی؟
sich kennen + Akk. (5C1)	شناختن
Woher kennt ihr euch denn? (5C1)	شما همدیگر را از کجا می‌شناسید؟
kennen / lernen + Akk. (3A)	با کسی آشناشدن
der Kindergarten,¨–(2A)	مهد کودک
die Kindergärtnerin, –nen (1A3)	مربی کودکستان، کودکیار (زن)
die Kinderkrankenschwester, –n (1A)	پرستار بچه (زن)
die Kirche, –n (1Üb.)	کلیسا
klappen + es (2D)	عملی‌شدن، درست‌شدن، با موفقیت انجام‌شدن
klar (5A1)	روشن، واضح
Klar! (2C)	معلومه!، البته!
Klasse! (5lG.)	عالی است!، معرکه است!
Der Opa war klasse! (5A)	پدربزرگ معرکه بود!
klassisch (3A)	کلاسیک (صفت)

der Klavierlehrer, –(5Te.)	معلم پیانو
kleiner (3A)	کوچک‌تر
klug (4B)	باهوش، عاقل
der Koch, ¨–e (1A3)	آشپز، طبّاخ
die Köchin, –nen (1A3)	آشپز (زن)
der Kolbenmotor, –en (4A2)	موتور پیستون دوّار، موتور وانکل
der Kollege, –n (2B)	همکار (مرد)
Komisch! (5C1)	عجیبه!، خنده‌داره!
die Komparation, –en (4B)	وجه تفضیلی، تطبیق
der Komparativ (3B)	صفت تفضیلی
kompliziert (2B)	پیچیده، مشکل (صفت)
konstruieren (4Üb)	برنامه‌ریزی و طرّاحی کردن
der Konstrukteur, –e (4A1)	طراح، برنامه‌ریز
die Konstruktion, –en (4B)	طرح
das Konzert, –e (3Üb.)	کنسرت
der Kopf, ¨–(3A)	سر
korrigieren (1D1)	تصحیح کردن
der Kraftfahrzeugmechaniker, –(2A)	تعمیرکار اتومبیل
kriegen (5A1)	گرفتن، به‌دست آوردن
die Küche, –n (5B)	این‌جا : سبک آشپزی
französische Küche (5B)	آشپزی به سبک فرانسوی
kulturell (4C2)	فرهنگی
die Kutsche, –n (4A1)	درشکه

L



die Lampe,–n (4A)	چراغ، لامپ
des Land, ¨–er (4Test2)	سرزمین، کشور
die Landstraße,–n (4A3)	جاده
der Landwirt, –en (1A)	کشاورز، دهقان
die Landwirtin, –nen (1A)	کشاورز (زن)

lang (2B)	بلند ــ طولانی
lange (2C)	مدتی
Petra, lange nicht gesehen! = Petra, ich habe dich lange nicht gesehen! (2C)	پترا، خیلی‌وقته که ندیدمت!
länger (4B)	بلندتر ــ طولانی‌تر
langsam (2D)	آهسته
langsamer (4A)	آهسته‌تر
langsamst – (4A)	آهسته‌ترین
längst – (4B)	بلندترین ــ طولانی‌ترین
die Last, –en (4A1)	بار
der Last (kraft) wagen, –(LKW) (4A1)	ماشین باربری، کامیون
das Lebensjahr, –e(4Test2)	سن،سال، عمر، زندگانی
der Lebenslauf, ¨–e(1C3)	تاریخچه‌ی زندگی(خصوصاً تحصیلی و شغلی)
das Lebensmittel, – (2D)	مواد غذایی
die Lebensmittel – Chemie (2D)	شیمی مواد غذایی
(Institut für Lebensmittel – Chemie)	مؤسسه‌ی شیمی مواد غذایی
die Lehrzeit, –en (2D)	مدت‌زمان آموزش
leicht (3A)	آسان، سهل
Jugendliche haben es leicht.	وضع جوانان خوب است. خیال جوانان راحت است.
die Leichtathletik (1C1)	دومیدانی
leichter (3A)	آسان‌تر، سهل‌تر
leider (1A)	متأسفانه
sich etwas (Akk.) leisten können (2D)	از عهده‌ی انجام کاری برآمدن، توانایی خریدِ چیزی را داشتن
letzten Dienstag (1IG.)	سه‌شنبه‌ی گذشته
zum letztenmal (5Üb.)	برای آخرین بار
die Leute (Pl.) (2Te.)	افراد، مردم
lieber (4B)	عزیزتر (صفت)، ترجیحاً (قید)
liebst – :(4B)	
Er möchte am liebsten alles selbst machen (1A1)	او خیلی دوست دارد همه کار را خودش انجام دهد.

die Liste, –n (2A)	فهرست
das Liter (4A4)	لیتر
die Literatur (3A)	ادبیات
die Luft (5A2)	هوا





Ich mag ihn nicht. (5lG.)	از او خوشم نمی‌آید.
mal:	
Gehen wir doch mal ins Kino! (3lG.)	یک بار هم برویم سینما!
malen (3A)	نقاشی کردن
manch (1D)	برخی، بعضی از
mangelhaft (1D)	ناقص، نارضایت بخش(نمره ۵ از ۶ در سیستم آموزشی آلمان)
die Maschine, –n (4B)	ماشین، این‌جا : وسیله‌ی نقلیه‌ی موتوری مثل هواپیما و موتورسیکلت
der Maschinenbau (1C)	ماشین‌سازی ــ شاخه‌ای از رشته‌ی مکانیک
die Maschinenfabrik, –en (1Üb.)	کارخانه‌ی ماشین‌سازی
der Maurer, –s 1(A)	بنّا
der Mechaniker, – (1A)	مکانیسین و تعمیرکار (اتومبیل یا سایر ماشین‌ها)
mehr (4Te.)	بیش‌تر
mehrere (2A)	تعداد زیادی
die Meinung, –en (4C2)	عقیده، نظر
die meisten (3A)	بیش‌تر مردم
meistens (3A)	اکثراً، اکثر اوقات
die Meisterprüfung, –en (2D1)	آزمون دوره‌ی استادکاری
der Meistersinger (4D2)	آوازخوانِ نمونه
der Meister – Titel, – (4D2)	عنوان قهرمانی
der Mensch, –en (2A)	انسان، بشر، آدم
die Messe, –n (4C2)	نمایشگاه
das Metall, –e (1Üb.)	فلز
die Metallfabrik, _en (1Üb.)	کارخانه ذوب فلز
der Metallfacharbeiter, – (1C)	(کارگر) فلزکار
das Mitglied, –er (1A)	عضو

der Mitschüler, –(4A)	هم شاگردی، هم مدرسه‌ای
das Mittel, –(4C1)	وسیله
das Möbel, – (1A)	مبلمان، اسباب منزل
der Möbelpacker, – (1A)	کارگر مبل فروشی
mögen (5lG.)	دوست / میل داشتن
die Moschee, –n (3Üb.)	مسجد
die Mühe, –n (5A2)	زحمت
sich die Mühe geben + Inf. + zu (5A2)	به‌خود زحمت‌دادن
das Museum, Museen (1Üb.)	موزه
die Musik (1Üb.)	موسیقی، موزیک
musizieren (3A)	موسیقی نواختن، ساز زدن

N



na ja! (2C)	خُب دیگه!
na klar! (5A1)	خُب معلومه!
der Nachbar, –n (3A)	همسایه
der Nachtwächter, – (1A)	نگهبان شب
die Nation, –en (4C2)	ملت
die Natur (3A)	طبیعت
das Nebenfach, ¨-er (2D)	رشته / درس فرعی
nennen (2A)	نام‌بردن
Nordeuropa (4Te.)	اروپای شمالی
normal (4D1)	معمولی
die Note, –n (1D)	نمره‌ی امتحانی
die Null (5D)	صِفر

O



oben (2D)	بالا
so arbeitete ich langsam nach oben. (2D)	بدین طریق کم‌کم ترقی کردم.
obwohl (1A)	با وجود این‌که ــ اگرچه ــ درحالی‌که

die Öffentlichkeit, –(4A1)	این‌جا : عموم
offiziell (2C)	رسمی، رسماً
öfter (5Üb.)	اغلب اوقات، غالباً
der Oktober (1C)	ماه اکتبر (دهمین ماه میلادی)
das Oktoberfest (4D)	جشن اکتبر مونیخ (در ماه سپتامبر برگزار می‌شود)
olympisch (4D2)	مربوط به رقابت‌های ورزشی و بازی‌های المپیک
der Opa, –s (5A2)	پدربزرگ
der Otto – Motor, –en (4A1)	اتوموتور (موتور چهارزمانه)



ein paar hundert ... (4C1)	چند صد ...
pakistanisch (4D1)	پاکستانی
der Papi (5C1)	باباجون
der Partner (3A)	همکار، شریک، همبازی
der Passant	عابر پیاده
passen + (D) (4D1)	متناسب و جوربودن، اندازه‌بودن
das Passiv (4B)	(فعل) مجهول
der Patentmotorwagen (4A1)	اتومبیل به ثبت رسیده
patentieren (4A1)	به ثبت‌رساندن
der Personen (kraft) wagen – (PKW) (4A1)	اتومبیل شخصی
die Pfeife, –n (5A1)	پیپ
der Pfeifentabak, –e (5A1)	توتون پیپ
die Pianistin, –nen (5Te.)	نوازنده‌ی پیانو، پیانیست (زن)
der Pilot, –en (2A)	خلبان
plötzlich (4D1)	ناگهان، یک‌دفعه، غفلتاً
die Politik (3A)	سیاست
der Politiker, –(2A)	سیاستمدار
die Politikerin, –nen (2A)	سیاستمدار (زن)
politisch (4C2)	سیاسی، از لحاظ سیاسی

der Polizist, –en (2B)	پلیس
prädikativ (4B)	اسنادی
das Praktikum (1Üb.)	کارآموزی
ein Praktikum machen (1Üb.)	دوره‌ی کارآموزی را گذرانیدن
das Präsens (4B)	زمان حال
privat (3A)	شخصی، خصوصی
pro Person (4A4)	برای هر نفر، نفری
das Problem, –e (3B)	مشکل، مسأله
das Produkt, –e (4C2)	محصول، فرآورده
das Prozent, –e (1D)	درصد (علامت اختصاری ٪)
PS = Pferdestärke (4A2)	اسب بخار (واحد نیرو)
der Psychologe, –n (2A)	روان‌شناس (مرد)
die Psychologie (3A)	روان‌شناسی
die Psychologin, –nen (2A)	روان‌شناس (زن)



die Realschule, –n (1D)	نوعی دبیرستان (مرحله‌ی بعد از ابتدایی و حدفاصل مدرسه اجباری و دبیرستان)
der Realschulabschluß ,¨–sse (1D)	گواهی‌نامه‌ی پایان دوره Hauptschule
rechnen (4C1)	حساب‌کردن
die Rechnung, –en (4A4)	صورت‌حساب
Recht haben (5C2)	حق‌داشتن
der Rechtsanwalt,¨–e(2A)	وکیل دادگستری
die Rechtsanwältin, –nen (2A)	وکیل دادگستری (زن)
reflexiv (1B)	انعکاسی
das Reifezeugnis –se (1C)	دیپلم، گواهی‌نامه‌ی پایان دوره‌ی متوسطه
die Reinigerin, –nen (1A3)	کارگر خشک‌شویی (زن)
reisen(2A)	مسافرت / سفرکردن

der Rekord, –e (4D2)	رکورد
das Relativpronomen (2B)	ضمیر موصولی
der Relativsatz, ¨–e (2B)	جمله‌ی موصولی
der Rennfahrer, –(4Te.)	راننده‌ی مسابقه (موتور یا ماشین)
das Rennrad,¨–er (4Te.)	دوچرخه کورسی
der Rennwagen – (4Üb.)	ماشین کورسی
der Reporter, –(2Üb.)	خبرنگار
die Richtung, –en (1Üb.)	جهت
riesig (3A)	عظیم‌الجثه، بسیار بزرگ
der Rinderbraten (4B)	گوشت گاو سرخ کرده
der Roman, –(4B)	رمان ــ کتاب داستان
der Russe, –n (4C2)	(فرد) روسی



sauber (1A)	تمیز، پاک
jmdm. etwas schenken (5A1)	چیزی را به کسی هدیه‌کردن
schicken (2D)	فرستادن
nicht schlecht (5lG.)	بد نیست، ... بدم نمی‌آید.
Gar nicht schlecht. (5lG.)	بد هم نیست.
mit jmdm. Bekanntschaft schließen (3A)	با کسی آشناشدن
mit jmdm. Freundschaft schließen (3B)	با کسی پیمان دوستی بستن، با کسی دوست‌شدن
schlimm (4C2)	بد، ناجور
schmecken (5B)	مزه (شیرینی،ترشی) داشتن
schneller (4A)	سریع تر
schnellst –(4A1)	سریع ترین
die Schreibmaschine, –n (1Üb.)	ماشین‌تحریر
schriftlich (1C)	کتبی

der Schulabgänger, –(2A)	فارغ‌التحصیل مدرسه
die Schulausbildung, –en (2D)	آموزش در مدرسه
der Schulbesuch (1C)	گذراندن دوره‌ی ابتدایی و دبیرستان
die Schülerzeitung, –en (2Üb.)	روزنامه‌ی دانش‌آموزان
die Schulferien (Pl.) (1C)	تعطیلات مدرسه
das Schulsystem, –e (1D)	نظام آموزشی مدارس
auf der Seite von jmdm. stehen (4C2)	تابع/ طرفدار کسی‌بودن
Der westliche Teil stand politisch auf der Seite der USA. (4C2)	بخش غربی از نظر سیاسی تابع آمریکا بود
selbständig (1A)	مستقل، بدون وابستگی به دیگران
das Semester, –(2D)	نیم‌سال تحصیلی (ترم شش‌ماهه)
sich (2B)	ضمیر انعکاسی برای سوم شخص مفرد و جمع
sicher! (2C)	البته!، حتماً!
das Silberfeil, –e (4A2)	تیر نقره‌ای (نام یکی از سریع‌ترین اتومبیل‌های کارخانه‌ی بنز)
solid (4B)	با دوام ــ مقاوم
die Sommerferien (Pl.) (1Üb.)	تعطیلات تابستانی
sowieso (4A3)	به هر حال،
die Sowjetunion (4C2)	اتحاد جماهیر شوروی
sozial (3A)	اجتماعی
soziale Fragen (3A)	مسائل اجتماعی
die Sozialpflegerin, –nen (1A)	مددکار اجتماعی
sparsam (4A)	این‌جا : کم‌مصرف
sparsamer (4A)	کم‌مصرف‌تر
der Spaß, ¨–e (2C)	سرگرمی، شوخی، خوشگذرانی
jmdm. Spaß machen:	
Mir macht die Arbeit Spaß! (2C)	از کار لذت می‌برم.
später (2D)	بعداً، دیرتر
spazieren/gehen (4D1)	پیاده‌روی کردن
die Spezialkleidung, –en (4D1)	لباس مخصوص
der Sportverein, –e (1A)	باشگاه ورزشی

das Sprachinstitut, –e (1A)	مؤسسه‌ی آموزش زبان (تک‌زبانی)
das Spracheninstitut, –e	مؤسسه‌ی آموزش زبان (چندزبانی)
die Sprachkenntnis, –se (1C)	معلومات زبانی
die Sprechstundenhilfe, –n (2A)	منشی مطب
der Sprit (4A3)	نوعی بنزین
der Staat, –en (4C2)	دولت، مملکت، کشور
städtisch (1A)	شهری، مربوط به شهر
der Stadtpark, –s (3A)	پارک‌شهر
die Stadtverkehr (4A3)	تردّد شهری
die Stange, –n (5A1)	میله‌ی دراز دارای مقطع دایره‌ای‌شکل و یا چهارگوش
eine Stange Zigaretten (5A1)	یک جعبه (باکس) سیگار
stehen/bleiben (4D1)	(از حرکت) ایستادن، توقف‌کردن
die Stelle, –n. (1A)	محل کار
eine Stelle suchen (2Üb.)	در جست‌جوی کاربودن، دنبال کاری‌گشتن
die Stellensuche, –(1)	کاریابی
stoppen (4B)	متوقف‌کردن، جلوی کسی را گرفتن
stören (1Üb.)	مزاحم‌شدن
die Struktur, –en	ساختار
der Superlativ (4B)	صفت عالی
sympathisch (1Üb.)	دوست‌داشتنی، دلنشین، هم‌دل



der Tabak (5A1)	توتون
tabellarisch (5B)	به‌صورت جدول
tagsüber (5C2)	در طول روز، به هنگام روز
die Tante, –n (5A2)	خاله ـ عمّه ـ زن‌دایی ـ زن‌عمو
die Tasche, –n (4D2)	جیب لباس ـ کیف
die Taschenuhr, –en (4D2)	ساعت جیبی
tatsächlich (1C)	واقعاً، واقعی
das Team, –s (2Üb.)	گروه، تیم

im Team arbeiten	کار گروهی کردن
der Techniker, – (1A)	تکنیسین، متخصص در یک حرفه یا شغل
technisch (1C)	فنّی، تکنیکی
der Teil, –e (4C2)	قسمت، جزء
teil / nehmen (2B)	شرکت‌کردن، همکاری‌کردن
die Teilung, –en (4C2)	تقسیم (کردن)
Teppich	فرش
teuerst - (4A4)	گران‌ترین
teurer (4A)	گران‌تر
die Textilarbeiterin, –nen (1A)	کارگر نسّاجی (زن)
das Tier, –e (3A)	حیوان، جانور
der Tischler, –(1A)	نجّار، درودگر
Tja! (2D)	خُب!
Tja, bei mir lief ... (2D)	خُب در مورد من ...
toll (51G)	این‌جا : عالی، معرکه
das Tonband, ¨–er (4B)	نوار ضبط‌صوت
tragen (1A)	حمل‌کردن
der Traum, ¨–e (4D1)	رؤیا، خواب
der Traumberuf, –e (1A)	شغل دلخواه
sich treffen (3A)	با یکدیگر ملاقات‌کردن، همدیگر را دیدن
der Treibstoff, –e (4Te.)	سوخت، ماده سوخت
trotzdem (4C1)	با وجود این، با این وصف
typisch (2A)	سِنخی، خاص (دارای مشخّصات و مظاهر خاص یک نوع آدم بخصوص یا دارای شغل مخصوص)
der Turm (4B)	برج



überhaupt (5A2)	اصلاً
übermorgen (5D)	پس‌فردا
über Null (5D)	بالای صفر

die Überstunde, –n(1A)	(ساعت) اضافه‌کار
übrig (4C2)	باقی
übrigens (4C1)	راستی، بعلاوه، مضاف بر آن، این‌جا : در ضمن
die Umfrage, –n (2A)	همه‌پرسی
unbekannt (2B)	ناآشنا، نامعلوم
Und wie! (5A2)	چه‌جورهم!
einen Unfall haben (2Üb)	تصادف‌کردن
ungefährlich (2B)	بی‌خطر
ungenügend (1D)	غیرمکفی، ناقص
uninteressant sein (2B)	جالب‌نبودن
die Universität, –en (1D)	دانشگاه
unpraktisch (2B)	غیرعملی
unregelmäßig (4B)	بی‌قاعده ـ نامرتب
unsympathisch sein (2B)	نامطبوع، ناپسند، نامهربان‌بودن
die Untergang, ¨–e (4C2)	اضمحلال، فروپاشی
unter Null (5D)	زیر صفر
sich unterhalten + mit (D) (4B)	(صحبت‌کردن، گپ‌زدن با)...
das Unternehmen, –(1C)	شرکت، تجارتخانه
unzufrieden (1A)	ناراضی، ناخشنود
die USA (Pl.) (4C2)	ایالات متحده آمریکا (اختصار)
der Urlaub, –e(4B)	مرخصی



verantwortlich (4C1)	مسئول
jmdm. etwas verbieten (5C2)	کاری را برای کسی ممنوع‌کردن
verbrauchen (4A3)	مصرف‌کردن
verbringen	گذراندن، سپری کردن
verdienen (4Test2)	پول در آوردن، عایدی داشتن
vereint sein (4C2)	متّحدبودن، متّحدشدن، یکی‌شدن

verhältnismäßig (3A)	نسبی، نسبتاً
der Verkaufsdirektor, – en (1C1)	مدیر فروش
das Verkehrsmittel, –(4C1)	وسیله‌ی نقلیه
veröffentlichen (4B)	منتشرکردن
verreisen	سفرکردن
jmdn. verstehen (5A2)	کسی را درک‌کردن
der Verwandte, –n (5A1)	خویشاوند، فامیل
verwenden (4A1)	به‌کاربردن / گرفتن
verzichten + auf (A) (5C2)	صرف‌نظرکردن از
vieles (2D)	خیلی چیزها
vierrädig (4A1)	چهارچرخ
der Viertaktmotor, –en (4A1)	موتور چهار دنده، موتور چهار زمانه
das Volksfest, –e (4D2)	جشن ملّی
vor/führen (4A1)	به معرض نمایش‌گذاردن
der Öffentlichkeit vorführen (4A1)	در مقابل عموم نمایش‌دادن
vorgestern (5D)	پریروز
der Vorschlag, ¨–e (3lG.)	پیشنهاد
jmdm. etwas vor/spielen (2Üb.)	این‌جا : طرز کار دستگاهی را به کسی نشان‌دادن
jmdn. vor/stellen (2B)	کسی را معرفی‌کردن
sich vor/stellen (1B)	خود را معرفی‌کردن
sich etwas vor/stellen (2B)	تصوری یا تصویری (خاص) از چیزی‌داشتن





der Wächter, –(1A)	نگهبان، پاسدار
während (1C)	درحین، به هنگام
warm (5A2)	گرم
wärmer (5A2)	گرم‌تر
die Wasserturbine, –n (1Üb.)	توربین آبی
weißer (5A)	سفیدتر
Weißt du was? (5A1)	می‌دونی چیه؟
die Welt (2A)	جهان، عالم هستی، دنیا
viel von der Welt sehen (2A)	اصطلاح : دنیا دیده‌شدن

der Weltausstellung, –en (4A1)	نمایشگاه جهانی
der Weltkrieg, –e (4C2)	جنگ جهانی
der Weltrekord, –e (4D1)	رکورد جهانی
wenig (2D)	کم
weniger (3A)	کم‌تر
wenigst (4A4)	کم‌ترین
wichtiger (3A)	مهم‌تر
das Wichtigste (5A2)	مهم‌ترین مسائل
wie lange? (1C)	چه مدت
wieso? (5A2)	چه‌طور؟ به چه علت؟
wirklich (2A)	واقعاً، واقعی
die Wirklichkeit (2A)	واقعیّت
wissen:	
Woher soll ich denn wissen, ... (5Üb.)	من از کجا بدانم...
Das weiß ich doch nicht. (5Üb.)	من چه می‌دانم.
der Wohnblock, –s (3A)	مجتمع مسکونی
die Wohnsiedlung, –en (3A)	شهرک مسکونی
die Wohnung, –en (4B)	آپارتمان
die Wohnzimmer, –(4B)	اتاق نشیمن
der Wolkenkratzer, – (4B)	آسمانخراش
sich etwas wünschen (2A)	آرزو داشتن، چیزی را برای خود آرزو کردن

Z

die Zeitschrift, –en (2A)	مجلّه
das Zentimeter, –(4D1)	سانتی‌متر
die Zeugnisnote, –(1D)	نمره‌ی کارنامه
zu gefährlich (4B)	بیش از حد خطرناک
zufrieden (1A)	راضی، قانع
die Zukunft (4B)	آینده
zusammen/spielen (5Te.)	با هم بازی کردن
zusammen/stehen (4D1)	کنار هم قرارگرفتن (ایستادن)
der zweite Weltkrieg (4C2)	جنگ جهانی دوّم
die Zweizimmerwohnung, –en (5IG.)	آپارتمان دواتاقه

فرهنگ لغت و واژه‌نامه

برای دوره‌های راهنمایی ــ دبیرستان ــ پیش‌دانشگاهی

فرهنگ آلمانی ــ فارسی، فرامرز بهزاد، انتشارات خوارزمی، تهران ۱۳۸۱، چاپ اول

واژه‌نامه‌ی پایه‌ی زبان آلمانی، فرامرز بهزاد، انتشارات توس، تهران ۱۳۷۸، چاپ هشتم

Pons, Basiswörterbuch, Ernst Klett Verlag,

ISBN: 3-12- 517203-9

Duden, Bildwörterbuch für Kinder, Duden Verlag,

ISBN 3- 411- 07051 - X

کتب آموزشی :

Lehrwerke für Kinder und Jugendliche:

1:

(در سطح آموزشی **A1** و **A2**)

Tamburin 1, Hueber Verlag

Lehrbuch: ISBN 001577-5

Arbeitsbuch: ISBN 011577-x

Tamburin 2, Hueber Verlag

Lehrbuch : ISBN 001578 – 3

Arbeitsbuch : ISBN 011578 – 8

Tamburin 3, Hueber Verlag.

Lehrbuch: ISBN 001579 – 1

Arbeitsbuch : ISBN: 011579 – 6

2:

Planet 1, Hueber Verlag

Kursbuch: ISBN: 001678-x

Arbeitsbuch: ISBN: 011678 – 4

Planet 2, Hueber verlag

Kursbuch: ISBN: 001679 – 8

Arbeitsbuch: ISBN: 011679 – 2

3:

Pingpong Neu 1, Hueber Verlag

Lehrbuch: ISBN: 001654–2

Arbeitsbuch: ISBN: 011654–7

Ping pong Neu 2, Hueber Verlag

Lehrbuch ISBN: 001655-0

Arbeitsbuch ISBN: 011655–5

4:

Themen Aktuell 1.

Kursbuch mit CD-ROM ISBN: 001690-9

Arbeitsbuch: ISBN: -011690-3

Themen Aktuell 2

Kursbuch: ISBN: 001691-7

Arbeitsbuch: ISBN: 011691-1

